

ارائه الگوی بومی اجرای خط‌مشی‌های قضائی: با استفاده از کاربرست تحلیل مضمون و رویکرد دلفی فازی

رقیه کشوریان آزاد^۱ - اکبر اعتباریان خوراسگانی^{۲*} - مهربان هادی پیکانی^۳ - مجتبی شاهنوشی^۴

چکیده

هدف: قوه قضائیه نقش قابل توجهی در فرآیند اجرای خط‌مشی ایفا می‌کند، با توجه به رسالت دستگاه قضا و شرایط حاکم بر کشور، اجرای خط‌مشی‌ها در این قوه اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف این تحقیق، ارائه الگوی بومی اجرای خط‌مشی‌های قضائی: با استفاده از کاربرست تحلیل مضمون و تکنیک دلفی فازی است.

روش پژوهش: در این پژوهش، در بخش کیفی پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته عمیق با خبرگان قوه قضائیه اطلاعات لازم جمع‌آوری و با هدف استخراج عناصر و اجزای مدل، این اطلاعات بر اساس روش تحلیل مضمون در سه سطح پایه، سازمان دهنده و فراگیر کد گذاری شد. جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان مسلط بر اجرای خط‌مشی شامل ۲۶ نفر می‌شود. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و برای غربالگری و اعتباریابی شبکه مضامین از سه دور تکنیک دلفی فازی استفاده شده است.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها در نهایت به احصای ۱۵۳ مضمون پایه، ۳۶ مضمون سازمان دهنده، ۸ مضمون فراگیر و شکل‌گیری الگوی نظری انجامید.

نتایج: نتایج نشان می‌دهد حکمرانی شبکه‌ای قضائی، سیاست‌های اجرا، شهروندان، ویژگی شخصی قضات، ساختار اجرا، بازیگران اجرا، توانمند سازی کارکنان و مبانی فرهنگی و دینی عوامل موثر در الگویی بومی اجرای خط‌مشی‌های قضائی در دستگاه قضا هستند.

واژگان کلیدی: اجرا، خط‌مشی، خط‌مشی‌های قضائی، قوه قضائیه، مضمون، دلفی فازی

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه مدیریت دولتی، اصفهان، ایران.

keshvarian@gmail.com

^{۲*} دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه مدیریت دولتی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)،

etebarian@khuisf.ac.ir

^۳ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه مدیریت دولتی، اصفهان، ایران. *paykani2323@gmail.com*

^۴ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه مدیریت دولتی، اصفهان، ایران.

mojtaba.shahnoushi@gmail.com

مقدمه

اجرای خطمشی به عنوان یکی از مراحل اصلی خطمشی‌گذاری عمومی از سال ۱۹۷۰ به بعد مورد توجه خاص اندیشمندان و پژوهشگران حوزه خطمشی‌گذاری و اجرا قرار گرفته است. اجرای خطمشی در مفهوم کلی به معنای اجرای قانون است که بلافاصله پس از تصویب و جنبه قانونی یافتن خطمشی اتفاق می‌افتد، و در آن بازیگران و سازمان‌ها با درهم آمیختن رویه‌ها و فنون متفاوت می‌کوشند، هدف‌های یک برنامه یا خطمشی پیشنهادی، را به نتیجه مطلوب و مثبت برسانند (قلی‌پور، ۱۳۷۸). خطمشی‌ها تصمیمات و سیاست‌هایی اند که به وسیله مراجع مختلف بخش عمومی مثل مجلس، دولت و قوه قضائیه که نماینده منافع عمومی هستند، اتخاذ می‌شود (الوانی و شریف زاده، ۱۳۹۴). بررسی‌ها نشان می‌دهد که مرحله اجرای خطمشی با چالش‌های متعددی مواجه شده است و با هدف‌های اولیه خطمشی‌گذاران تفاوت دارد و یا به طور کامل اجرا نمی‌شود و یا در مرحله اجرا با تحریف مواجه می‌گردد. لذا آنچه در تحقق اهداف خطمشی‌گذاران ضرورت دارد، آگاهی از عناصر تضمین‌کننده موفقیت در اجراء خطمشی است که می‌تواند طی فرآیند اجرای خطمشی مورد تأکید قرار گیرد. دانشمندان علم خطمشی‌گذاری بیان کرده اند، فرایند خطمشی‌گذاری به طور کلی شامل مراحل تدوین و تنظیم، اجرا و ارزیابی است که همه این مراحل مهم است و از جمله آنها، که پیچیدگی بسیار زیادی دارد، مرحله اجرا است (بروکز، ۱۹۹۸).

محققان در پژوهش‌های علمی تحلیل فرایند خطمشی‌گذاری را به ابعاد گوناگونی مورد توجه قرار داده اند به طوریکه هر یک از پژوهشگران از یک زاویه به این مسئله در سالیان اخیر نگاه کرده اند و راهکارهای را مورد بررسی قرار دادند. با وجود تحقیقات مختلف در زمینه مرحله اجرای خطمشی، امروزه صاحب نظران و مسئولین کشور ما به طور شفاف نمی‌دانند که اولویت

وظایف آنها چیست و برای بهبود و ارتقای اجرای مؤثر خطمشی در سازمان‌ها چه عواملی کارآمد ترند، قوه قضائیه نیز بعنوان یکی از قوای کشور از این قاعده مستثنی نیست. نحوه اجرایی خطمشی‌ها در دستگاه قضائی باعث سردرگمی مسئولین، نهادهای مرتبط با قوه قضائیه و محقق شده است و خطمشی‌گذاران و مجریان قوه قضائیه باید اقداماتی در این حوزه انجام دهند که مورد نیاز کنونی باشد و از تضییع حقوق شهروندان جلوگیری بعمل آید. بنظر می‌رسد در نظام قضایی اولویت خطمشی‌ها مشخص نیست. در این مقاله سعی بر آن است تا این مسائل مورد بررسی قرارگیرد و پیامدهای‌های آن به اطلاع جامعه علمی، مسئولین، کارمندان قوه قضائیه و سازمان‌های وابسته اعلام گردد. از این رویکی از حوزه‌های کلان و چالش برانگیز در اجرایی خطمشی، قوه قضائیه است، که طی چهار دهه اخیر با تغییرات سریعی مواجه شده است به گونه‌ای که عدالت، استقلال، حاکمیت قانون و آموزش و پژوهش در رأس آن قرار گرفته است. قوه قضائیه برای تحقق عدالت و حاکمیت قانون ناگزیر به توسعه بسترهای لازم است لذا ضروری است همگام با سایر قوا نسبت به تغییرات سریع واکنش نشان دهد و زمینه اجرای مؤثر خطمشی‌ها را با اتکاء به قانون مطابق با نیاز روز جامعه فراهم نماید.

در این مقاله خطمشی‌های که در قالب قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام، قوانین برنامه توسعه و قوانین عادی تصویب می‌شود و باید توسط دادگستری‌ها یا سازمان‌های وابسته و مجری اجرا شوند مورد توجه قرار خواهند گرفت. مسائل اساسی قوه قضائیه عبارتند از: مبارزه با ارتشاء و فساد، اصلاح ساختار اداری قوه قضائیه، کاستن از تشریفات اداری قوه قضائیه، حفظ صلاح و صلاحیت دینی، اعمال قاطعیت و قانونمندی، حاکمیت عدالت و قانون، ایجاد-اعتماد به نفس و حفظ عزت و حرمت و شأن قضاوت، وارد نشدن در دسته‌بندی و جناح‌بندی‌های گروهی و بانندی،

بی‌توجهی به ناخشنودی و خرده‌گیری و عیب‌جویی اشخاص ناراضی، نظارت مستمر بر اجزای نظام قضایی از هر مدیری نسبت به زیرمجموعه‌ی آن مدیر، گزینش اشخاص صالح درمجموعه‌های قضایی واداری، بهره‌گیری از نیروهای کاردان و انقلابی از حقوقدانان مؤمن و فاضل حوزه و دانشگاه، به‌کارگیری قضات پاکدامن و شجاع، تقویت دانش قضایی.

بنابراین با توجه به نقش مهم فرآیند اجرا در قوه قضائیه پژوهشگر در نظر دارد به ارائه الگوی اجرای خطمشی‌های قضایی در دستگاه قضا: با استفاده

کاربست تحلیل مضمون و تکنیک دلفی فازی بپردازد. خطمشی‌ها مجموعه‌ای از قواعد، مقررات، رهنمودها، اهداف پیشبردی و توسعه‌ای و استراتژی‌هایی که ارایه‌کننده‌ی چارچوبی برای اتخاذ تصمیمات فردی و گروهی است، تصمیماتی که به صورت مستقیم بر توسعه‌ی بلندمدت سازمان تاثیرگذار بوده و فعالیت‌های روزمره یک مقصد به واسطه آنان انجام می‌گیرد (گلدنرو رنچی، ۲۰۰۹). خطمشی زمانی مشروعیت دارد که با قانون اساسی و فرهنگ سیاسی موجود سازگار و از حمایت و مقبولیت بازیگران برخوردار باشد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۴).

اکثریت دانشمندان و صاحب نظران حوزه مطالعات خطمشی عمومی و متون علمی خطمشی‌گذاری عمومی، مراحل کلی خطمشی‌گذاری عمومی را شامل سه مرحله تدوین، اجرا و ارزیابی می‌دانند (بریکلند، ۲۰۱۵). اندیشمندان خطمشی از بین مراحل مختلف فرایند خطمشی‌گذاری عمومی همواره به مرحله اجرا توجه ویژه دارند (سابروتو، ۲۰۱۱). مهمترین مرحله بعد از خطمشی‌گذاری، اجرای آن است. شاید به دلیل اهمیت آن است که برخی از محققان معتقدند مرحله اجرا مرکز فرآیند خطمشی‌گذاری است. هر خطمشی بعد از تدوین به اجرا نیاز دارد و می‌توان آن را به صورت فرایندی که در آن برنامه‌ها یا خطمشی‌ها به اجرا گذاشته می‌شوند، تعریف کرد؛ مرحله‌ای که نشان

می‌دهد خطمشی‌ها چگونه عملی می‌شوند (هیل، ۲۰۰۲). اجرا در لغت به معنای انجام دادن، محقق ساختن، تولید، یا کامل کردن وظیفه‌ای خاص است (پادول، ۲۰۰۹). اجرا شامل تمامی فعالیت‌های طرح ریزی شده برای انجام خطمشی می‌باشد (دای، ۲۰۱۳، ۵۵). اجرای خطمشی فرآیند پیچیده تغییر را منعکس می‌کند جایی که تصمیم‌های حکومتی به برنامه طرز عمل، مقررات و عملیات تبدیل می‌شود تا از این طریق اوضاع اجتماعی بهبود یابد (دگروف و کارگو، ۲۰۰۹، ۴۷). به طور کلی، اجرای خطمشی؛ به عنوان انجام فعالیت‌هایی توسط مجریان برای نیل به مجموعه‌ای از اهداف کلی و جزئی خطمشی تعریف شده است (چامپوکات، ۲۰۱۱).

محققان و صاحب نظران متعدد، در تبیین عوامل مؤثر بر اجرای خطمشی و مشکلات اجرای خطمشی عوامل زیادی برشمرده اند و اکثریت آنان بر این باورند که مشکلات اجرای خطمشی با شرایط محلی هر جامعه متفاوت است. همه جوامع در زمینه سیاست‌گذاری و نیز اجرای موثر و موفقیت آمیز آن، کم و بیش با موانعی مواجه اند. از دیدگاه مارش و آلان (۲۰۱۰) سیاستی با مانع مواجه شده است که، نتایج و پیامدهای مطلوب و مورد انتظارش را سبب نشود و یا توافق اندکی بر روی میزان رسیدن آن به اهداف مطلوبش باشد. اسکاگاستاد (۲۰۰۷) نیز ایجاد مشکل در اجرای سیاست را زمانی تعریف می‌کند که تصمیم گیرندگان مسئول، به این نتیجه می‌رسند که آن سیاست، دیگر تامین کننده اهداف برنامه و اهداف سیاسی که آنها ترجیح می‌دادند و مد نظرشان بود، نیست. همچنین در پژوهشی با همکاری آژانس ایالت متحده برای بهبود بین المللی موانع اجرای خطمشی عمومی در زمینه سلامت و بهداشت عمومی بررسی شده است که بر این اساس خطمشی‌های متعارض یا متقاطع، انگیزه و تعهد پایین، اجرا در سطوح متفاوت، حیا و عفت عمومی جامعه، تبعیض و جنسیت و دوگانگی میان تدوین و اجرای خطمشی مهم ترین

موانع اجرا هستند (اسپرت، ۲۰۰۹). پژوهشی که توسط چامپوکات (۲۰۱۱) انجام شد، نتایج به دست آمده نشان داد که متغیرهای مستقل امنیت، منابع، توانایی مؤسسه مجری، شرایط اقتصادی خانواده دانش آموز و عامل فرهنگی حمایت والدین، متغیرهای مهم تأثیرگذار بر اجرای مؤثر خطمشی آموزشی هستند؛ لیکن تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که دو متغیر اهداف خطمشی و مشوقها تأثیر مستقیم زیادی بر اجرای مؤثر خطمشی آموزشی نداشته اند. همچنین همکاری یا وابستگی متقابل بین مؤسسات مجری نیز یک عامل مهم برای اجرای موفق است، پذیرش خطمشی توسط مجریان خط مقدم یا بوروکرات‌های سطح خیابان، که کار روزانه اجراء را انجام می‌دهند، در اجرای خطمشی تعیین کننده است (چامپوکات، ۲۰۱۱). بتسوری (۲۰۱۶) در پژوهش خود به این نتایج دست یافت که وضوح اهداف و استانداردهای خطمشی و همچنین کیفیت بهتر خدمات عمومی که بر اساس سطح رضایت سرمایه گذار خارجی از اجرای خطمشی سرمایه گذاری خارجی تعیین می‌شود، تأثیر مثبتی بر اجرای خطمشی دارد (بتسوری، ۲۰۱۶).

با مطالعه تحقیقات انجام شده در حوزه اجرای خطمشی، اگرچه پژوهش‌های متنوعی در زمینه اجرای خطمشی‌های انجام گرفته است، در زمینه اجرای خطمشی‌های قوه قضائیه که یکی از قوای سه گانه کشور است و نقش انکار نشدنی در اداره کشور دارد، تحقیقی که مشابه تحقیق حاضر باشد، مشاهده نشد. بنابراین با توجه به هدف غایی پژوهش حاضر، به نتایج مرتبط ترین و جدیدترین پژوهش‌هایی که در ارتباط با حوزه اجرای خطمشی توسط پژوهشگران داخلی و خارجی انجام شده است و از نظر قلمرو موضوعی تا حدودی شبیه به این پژوهش باشد؛ به طور اجمالی، اشاره می‌شود.

دانش فرد و همکاران (۱۳۹۱) تحقیقی را با عنوان «موانع اجرای طرح‌های عمرانی دادگستری تهران» انجام

داده اند. این پژوهش به بررسی موانع درون سازمانی نحوه مدیریت پروژه و بروکراسی اداری و برون سازمانی تخصیص اعتبار و عوامل جغرافیایی در اجرای طرح‌های عمرانی دادگستری تهران پرداخته است. نتیجه پژوهش نشان داد که نحوه مدیریت پروژه، بروکراسی اداری و تخصیص اعتبار فعلی مانع اجرای صحیح طرح‌های عمرانی در دادگستری تهران بوده و عوامل جغرافیایی بعنوان مانعی برای اجرای صحیح طرح‌های عمرانی دادگستری تهران تایید نشد. معمارزاده طهران و همکاران (۱۳۹۰) تلاش کردند «مدلی برای ارزیابی اثربخشی اجرای خطمشی‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران در حوزه بهداشت و درمان» ارائه نمایند. در ابتدا میزان موفقیت اجرای خطمشی‌های بهداشت و درمان آسیب شناسی گردید، سپس بر اساس مطالعات و ادبیات در بحث اجرا همچنین با توجه به اجرای خطمشی‌ها در برنامه چهارم توسعه در حوزه بهداشت و درمان، نوع اجرای خطمشی‌های مذکور بر اساس مدل چهارگانه اجرای متلند تعیین گردید. نتایج تحقیق نشان داد که میزان اثربخشی انواع اجرا با یکدیگر متفاوت است و برای افزایش اثربخشی هر نوع اجرا باید به شاخص‌های مختلف توجه نمود.

رنگریز و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی به «بررسی موانع اجرای خطمشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی با استفاده از روش فراترکیب» پرداخت. وی موانع مربوط به تدوین خطمشی، مجریان خطمشی، مدیریتی، ساختاری، منابع مالی، اطلاعاتی و فناورانه و محیطی را از مهم ترین موانع اجرای خطمشی در سازمان‌های دولتی ایران دانست.

پوراحمدی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی به «آسیب شناسی اجرای خطمشی‌های خصوصی سازی در ایران» پرداخت. وی عوامل مؤثر بر اجرای خطمشی‌های خصوصی را شامل: سازوکار ناکارآمد و غیراصولی واگذاری، ضعف ساختاری و قدرت و انگیزه کم بخش خصوصی، سازوکار نامناسب عرضه و

تقاضای سهام، سازوکار ضعیف ارزیابی، نداشتن دیدگاه آینده نگرانه، ضعف‌های فرهنگی، ضعف‌های روانشناختی، حاکمیت منطق کاپیتالیستی، حمایت و پشتیبانی مالی ضعیف از بخش خصوصی، بی انضباطی سیاست‌های مالی دولت، فعالیت و سیطره شبه دولتیها در اقتصاد، محیط غیررقابتی اقتصاد ملی، دخالت بیش از اندازه دولت در اقتصاد، تدوین و اجرای نامناسب قوانین و مقررات، همراستایی اندک تصمیم‌ها و اقدام‌های مربوط به نهادهای مسئول می‌دانست. کمالی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی تحت عنوان اجرای سیاست‌های عمومی؛ ارائه معیارهایی برای اجرای موفق سیاست‌ها به شناسایی و دسته‌بندی معیارهای اجرای موفق سیاست‌های عمومی پرداخته است. معیارهای اجرای موفق سیاست‌های عمومی را در پنج زمینه: ۱- معیارهای مربوط به سیاست تدوین شده ۲- مجریان سیاست‌ها ۳- ساختارها و سازمان‌های اجرایی ۴- شرایط و محیط اجرا ۵- منابع و ابزارهای اجرای سیاست‌ها دسته‌بندی نمود.

برنز و دیگران (۲۰۱۴) تحقیقی را با عنوان «عوامل کلیدی در موفقیت اجرای سیاست گذاری‌ها و سیاست‌ها در آمریکای لاتین» انجام داده‌اند. در این مطالعه که بر روی ۸۷ مؤسسه در ۱۲ کشور آمریکای لاتین (شامل آرژانتین، برزیل، شیلی، پرو، ونزوئلا، پاناما، کاستاریکا، نیکاراگوئه، هندوراس، السالوادور، گواتمالا و مکزیک) انجام داده‌اند، متغیرهای مرتبط با موفقیت اجرای خط‌مشی را در پنج گروه، فرایند شکل‌گیری خط‌مشی، اجرای منظم، نظارت و کنترل خط‌مشی، رهبری و مدیریت و کارکنان توانمند و حکمرانی شرکتی طبقه‌بندی نمودند. آیاندا و بلو (۲۰۱۶) تحقیقی با عنوان «اجرای مؤثر خط‌مشی‌های عمومی از طریق بوروکراسی‌های دولتی در کشورهای در حال توسعه در کشور نیجریه» انجام داده‌اند، در این تحقیق به بررسی مشکلات و چالش‌های اجرای خط‌مشی‌های عمومی در نیجریه پرداختند. آنها عدم

تعریف دقیق و واضح اهداف، اهداف سیاسی مبهم، فقدان فناوری مناسب برای اجرا، عدم تعهد به خط‌مشی، عدم تعریف دقیق مسولیت‌ها و هماهنگی‌ها، فساد (گرایش‌های فاسدمقامات دولتی و سیاست‌مداران)، مقایسه در طول اجرای خط‌مشی (معمولا خط‌مشی با خط‌مشی‌های شکست خورده قبلی مقایسه می‌شوند) را علل شکست اجرای خط‌مشی دانستند. لدنیز (۲۰۱۶) تحقیقی به عنوان «اجرای خط‌مشی در بخش عمومی: یک مقایسه از دو شیوه ارزیابی مداخلات دولتی» به شیوه آمیخته در انگلستان انجام داده است. نتایج حاصل نشان داد که درک روشنی مدیران رویکردهای جدید فعالیت سازمان، شیوه‌های کار یک پارچه، اشتراک‌گذاری اطلاعات و سیستم‌های پاسخ‌گویی، تعهد و بهبود حمایت از کودکان، تعهد و درک رویه‌ها، روش‌ها و اصول حرفه‌ای اشتراک‌گذاری اطلاعات، فقدان درک، تفاوت ادراکات، هنجارهای فرهنگی، روابط قدرت و نظام ارزشی بعنوان اقدامات کلیدی در اجرای خط‌مشی موثر هستند. سیدیکو (۲۰۱۶) در پژوهشی بعنوان به «عوامل موثر بر اجرای موفق خط‌مشی‌های دولت الکترونیکی در پاکستان» پرداخت. عوامل موثر بر اجرای موفق خط‌مشی‌ها را به چهار دسته عوامل فردی، سازمانی، فرایندی و محیطی تقسیم کرده و تاثیر این عوامل را بر اجرای دولت الکترونیک در پاکستان مورد بررسی قرار داده است. این مطالعه همچنین با تعیین جهت و رهنمودهایی برای همه ذینفعان اجرای، اجرای موفقیت‌آمیز دولت الکترونیکی را در پاکستان فراهم می‌کند. نیهانگن و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به «بررسی ابزارهای تجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی در اروپا» پرداختند. در این پژوهش به دو جنبه از اجرای سیاست‌ها تمرکز کردند. یکی از سیاست‌های اساسی آن است که از لحاظ ابزارهای سیاست‌مانند قوانین و مقررات، انگیزه‌های مالی و ترتیبات سازمانی استفاده می‌شود. جنبه دوم فرآیند پیاده‌سازی به عنوان الگوهای

مشارکت و اعتماد در میان بازیگران درگیر است. آن‌ها همچنین تغییرات متقابل ملی را با توجه به رابطه بین ساختارهای سیاسی-اداری، پروسه‌های پیاده سازی و پیامدهای اساسی تشریح کردند. هیدنریچ (۲۰۱۶) در پژوهشی به «مشکلات و چالش‌های مربوط به اجرای خط‌مشی‌های عمومی در تشکیلات دموکراتیک آفریقای جنوبی» پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد: اجرای خط‌مشی‌های عمومی در آفریقا جنوبی با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو است که باعث می‌شود سیاست‌های عمومی به نتایج مورد انتظار نرسد. برخی از این چالش‌ها و مشکلات که به عنوان نقض شناسایی شده اند عبارت‌اند از: عدم انطباق با سیاست‌های عمومی، کمبود دانش، مهارت، تجربه و تخصص در محیط عمومی. رحمان خان و خنداکار (۲۰۱۶) در پژوهشی بعنوان «یک بینش اساسی در مورد اجرای سیاست و عملکرد آن» وی عوامل موثر بر ضعیف بودن اجرای سیاست‌ها را شامل این موارد می‌دانند: فقدان هماهنگی بودجه، تعهد، تواناییها در میان برنامه‌های اجرا کننده از بالا به پایین. و با انتقاد از ضعف مرتبط با عملکرد در اجرای سیاست‌ها پنج مدل که شامل: مدل سیاست، مدل بوروکراتیک، مدل سازمان توسعه، مدل منطقی و مدل مدیریت برای بهبود عملکرد اجرا طراحی کرد.

- خط‌مشی‌های قوه قضائیه

در جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی نهادهای رسمی خط‌مشی‌گذاری عبارتند از: سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه و شوراهای شکل گرفته طبق قانون اساسی مثل شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی. از شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز می‌توان به عنوان نهادهای اثرگذار بر خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران نام برد. در این بخش برخی از

مهمترین خط‌مشی‌های قضایی که بوسیله قوه قضائیه اجرا می‌شود را بیان می‌کنیم:

۱- حاکمیت قانون: آنگاه که از اصل حاکمیت قانون در نظام قضا بحث می‌شود، نباید از عدالت قضایی به عنوان یکی از اهداف نهایی غفلت نمود. عدالت قضایی، بدان معناست که اگر افراد جامعه انسانی از حیث انسانیت و حقوق انسانی مساوی هستند، باید نزد مقام قضایی نیز جایگاهی برابر داشته باشند، حتی که مورد تجاوز قرار گرفته استیفاء گردد و هیچگونه تبعیض و ملاک غیر ارزشی، مورد توجه قرار نگیرد. در بند چهاردهم اصل سوم قانون اساسی به تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون. و اصل یکصد و هفتم در تأکید برابری همگان در برابر قوانین بیان می‌کند که رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است. اصل سی و شش، حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد، این اصل در حقیقت، تبلور و تجلی اصل حاکمیت قانون در حقوق کیفری ماهوی است. به موجب اصل یکصد و شصت و شش و ماده‌ی ۲۱۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و ماده‌ی ۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳، حکم دادگاه باید مستدل، مستند و موجه باشد.

۲- استقلال دستگاه قضا: طبق اصل ۵۷ قانون اساسی؛ قوای حاکم در جمهور اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند. در میان قوای سه‌گانه، استقلالی که برای قوه قضائیه در نظر گرفته می‌شود، مهمتر از استقلال سایر قواست. اسناد بین‌المللی مربوط نیز بر ضرورت وجود دادگاه (یا مرجع قضایی) مستقل و بی‌طرف تأکید کرده‌اند. از جمله مواد مربوط این اسناد می‌توان به ماده ۱۰ اعلامیه

جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام، بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اشاره کرد. ماده ۳ اعلامیه ی بیجینگ در مورد اصول استقلال قضایی (۱۹۹۵) نیز بیان می‌دارد: استقلال قوه ی قضائیه مستلزم آن است که الف) قوه قضائیه موضوعات مطرح نزد خود را مطابق ارزیابی بی طرفانه ی حقایق و برداشت از قانون بدون تاثیر ناصواب (مستقیم یا غیر مستقیم) از هر منبعی اتخاذ تصمیم نماید. ب) قوه ی قضائیه صلاحیت (مستقیم یا از طریق بازنگری) بر همه ی موضوعات با ماهیت قضایی را داشته باشد. تمرکز امور قضایی در قوی قضائیه یکی از ابزار مهم تحقق استقلال قضایی محسوب می‌شود، زیرا حاکمیت‌ها ممکن است با واگذاری برخی از امور دارای ماهیت قضایی به غیر قوه ی قضائیه، از رعایت اصول دادرسی منصفانه حاکم بر رسیدگی‌های قضایی شانه خالی کنند.

۳- کاهش زمان دادرسی: مطابق بند «ک» قانون برنامه پنجم توسعه؛ قوه قضائیه مکلف است سامانه الکترونیکی کاهش زمان دادرسی در کلیه مراجع قضایی را طراحی نماید به نحوی که در این سامانه حداقل: ۱- علت تجدید وقت رسیدگی برای اصحاب دعوا معلوم و قابل دسترسی باشد. ۲- وقت رسیدگی به پرونده‌ها با در نظر داشتن اوقات فوری خارج از نوبت به‌طور خودکار تعیین شود. ۳- مدت زمان رسیدگی به پرونده در محاکم کیفری حداکثر سه ماه و پرونده‌های حقوقی حداکثر پنج ماه بیشتر نباشد. ۴- رؤسای حوزه‌ها موظف باشند با نظارت مستمر وقت رسیدگی به پرونده‌هایی که معد تصمیم‌گیری بوده و بدون علت منتهی به تصمیم نگردیده‌اند را ضمن تذکر به قاضی و اعلام به مراجع ذی‌صلاح معین نمایند. ۵- مراجع نظارتی به‌طور خودکار از پرونده‌هایی که برابر قانون منتهی به تصمیم‌گیری نگردیده‌اند اطلاع حاصل نمایند. به

موجب ماده ۱۷ بند الف قانون برنامه ششم توسعه، قوه قضائیه مکلف است تا پایان سال دوم اجرای قانون برنامه سامانه‌ای الکترونیک ایجاد نماید که امکان پاسخگویی فوری و برخط به استعلامات مورد نیاز مراجع قضائی ذی‌صلاح در خصوص اموال اشخاص محکوم‌علیهم به‌طور متمرکز برای قوه قضائیه و تحت نظارت مستقیم رئیس قوه قضائیه از طریق دسترسی برخط به کلیه بانک‌های اطلاعاتی اموال اشخاص حقیقی و حقوقی محکوم‌علیهم فراهم شود تا توقیف اموال مزبور به سرعت و سهولت انجام گیرد.

۴- دادرسی منصفانه: قانون اساسی به صراحت در ۱۰ اصل به برابری حقوق مردم پرداخته است. مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود (اصل ۱۹). همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند (اصل ۲۰). هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند (اصل ۳۲). دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد (اصل ۳۴). در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد (صل ۳۵). هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد (اصل ۳۷). هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است (اصل ۳۸). هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و

موجب مجازات است (اصل ۳۹). محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد (اصل ۱۶۵).

۵- نظارت بر حسن اجرای قوانین: اصل ۱۵۶ بند ۳ نظارت بر حسن اجرای قوانین را از وظایف قوه قضائیه می‌داند. اصل ۱۷۴ قانون اساسی مقرر نموده که: «براساس حق نظارت قوهی قضائیه نسبت به حسن جریان امور اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر قوهی قضائیه تشکیل می‌گردد». اصل ۱۶۱ قانون اساسی، دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسوولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد. براساس بند دوم اصل ۱۱۰ قانون اساسی و در اجرای اوامر مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۷ مقام معظم رهبری امر نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی را به مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض فرمودند «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی شامل نظارت بر اعمال سیاست‌های کلی در قوانین، مقررات و مراحل اجرایی است». با توجه به رسالت خطیر قوه قضائیه، نظارت رهبری بر اعمال نهاد مزبور از طریق نصب و عزل و قبول استعفای عالیترین مقام قوه قضائیه (رئیس قوه قضائیه) اعمال می‌شود.

۶- شوراهای حل اختلاف: ماده ۱۸۹- قانون برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است که به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضائی و در راستای توسعه مشارکت‌های مردمی، رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضائی ندارد و یا ماهیت قضائی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است به شوراهای حل اختلاف واگذار

می‌گردد. حدود وظایف و اختیارات این شوراها، ترکیب و نحوه انتخاب اعضای آن براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران و به تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد. ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران عیناً ماده یاد شده را برای این دوره تأیید کرد. مطابق بند الف ماده ۱۱۶ قانون برنامه ششم توسعه: در راستای کاهش مراجع مردم به مراجع قضائی و تسریع در حل و فصل اختلافات، قوه قضائیه مکلف است با همکاری دولت به منظور افزایش حل و فصل اختلافات از طریق داوری، ایجاد و توسعه نهادهای داوری و اعتمادسازی و ایجاد اقبال عمومی و حمایت از آنها، تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه تمهیدات لازم را پیش‌بینی نماید.

۷- کشف جرم و تعقیب و مجازات: به موجب بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی «کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» یکی از وظایف قوه قضائیه است. از جمله وظایف اصلی قوهی قضائیه کشف و تعقیب جرائم و مجازات متخلفین است. با پیچیده‌تر شدن جوامع و پیشرفت‌های علمی و صنعتی، نیل به هدف فوق مستلزم برخورداری از کادری با تجربه و عالم و نیز ابزار و تشکیلاتی پیشرفته و منطبق با نیازهای زمان است. پزشکی قانونی، پلیس بین‌الملل، کشف علمی جرائم، پلیس قضایی و دادسراها از لوازم اولیه نیل به هدف مذکور است. آنچه که در بند مذکور اهمیت دارد تأکید بر «مقررات مدون موضوع جزایی اسلام» است.

۸- پیشگیری از وقوع جرم: بند ۵ اصل ۱۵۶ اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین یکی از وظایف قوه قضائیه است. در صورت اجرای درست بند مذکور، همان‌طور که در پزشکی گفته می‌شود پیش‌گیری بهتر از درمان است، در امور کیفری

نیز پیش‌گیری بهتر از مجازات است. قوه قضائیه باید، به عنوان وظیفه‌ای که قانون اساسی برعهده‌اش گذارده است، برنامه‌ای همه‌جانبه برای پیش‌گیری از وقوع جرم در همه‌ی ابعاد و مصادیق آن ارائه نماید و بدیهی است که نیروی انتظامی، به عنوان ضابط قوه قضائیه، باید از آن تبعیت کند و سایر دستگاه‌ها با آن همکاری نمایند و در صورت لزوم لوایح لازم به مجلس ارائه شود. بند ۱ قانون برنامه ششم توسعه: به منظور پیش‌گیری از وقوع جرم با هدف کاهش ده درصدی (۱۰٪) سالانه آمار مجرمان: ۱- قوه قضائیه مکلف است با استفاده از ظرفیت‌های تمامی دستگاه‌های اجرائی و بهره‌گیری از مشارکت اجتماعی مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد و مراکز علمی و پژوهشی کشور نسبت به تهیه و تدوین برنامه جامع پیش‌گیری از وقوع جرم و ارتقای سلامت اجتماعی با رعایت قوانین مربوط تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه اقدام نماید. ۲- قوه قضائیه مکلف است حداکثر تا پایان سال دوم اجرای قانون برنامه به منظور پیش‌گیری و کاهش جرم، دعاوی و اختلافات، نسبت به شناسایی عوامل مؤثر در بروز دعاوی و جرائم به تفکیک در حوزه‌های قضائی هر استان اقدام و پس از بررسی جامع پژوهشی، اقدامات لازم را انجام و لوایح مورد نیاز را تهیه و با رعایت اصل هفتاد و چهارم (۷۴) قانون اساسی به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

۹- سیاست‌های جایگزین مجازات حبس و جرم زدایی: برنامه‌ی چهارم توسعه ماده ۱۳۰- قوه قضائیه موظف است لوایح ذیل را تهیه و به تصویب مراجع ذیصلاح برساند: الف - لایحه «جرم‌زدایی از قوانین کیفری» به منظور جلوگیری از آثار سوء ناشی از جرم‌انگاری و ب - لایحه «جایگزینهای مجازات حبس» به منظور بهره‌گیری از روشهای نوین اصلاح و تربیت مجرمان در جامعه و همچنین ایجاد تناسب بیشتر میان جرم و مجازات و شخصیت مجرم را تهیه و ارائه نماید. بند الف ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه»

قوه قضائیه مکلف است به منظور کاهش عناوین مجرمانه و دعاوی، ایجاد پلیس قضائی، استاندارد سازی ضمانت اجراهای کیفری و جایگزین کردن ضمانت اجراهای غیرکیفری مؤثر و روزآمد از قبیل انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی حداکثر تا پایان سال اول برنامه لوایح قضائی مورد نیاز را تهیه نماید تا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردد». بند ۳ قانون برنامه ششم توسعه «در اجرای سیاست بازنگری در قوانین جزائی و با هدف کاهش عناوین مجرمانه قوه قضائیه مکلف است به منظور بازنگری در مصادیق عناوین مجازات‌های سالب حیات با توجه به تغییر شرایط، کاهش عناوین مجرمانه و استفاده از ضمانت اجراهای انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی و متناسب‌سازی مجازات‌ها با جرائم، نسبت به تنقیح، اصلاح و رفع خلأهای قوانین جزائی با رعایت قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ و اصلاحات بعدی آن اقدام و حداکثر تا پایان سال دوم اجرای قانون برنامه اقدامات قانونی مورد نیاز را به عمل آورد».

۱۰- کاهش استفاده از مجازات زندان و اصلاح امور زندان‌ها: بند سوم ماده ۱۹۰ قانون برنامه سوم توسعه به اصلاح وضع زندان‌ها تاکید دارد «به منظور اصلاح وضعیت زندانها و ایجاد محیط مناسب بازپروری و اصلاح و تربیت زندانیان در بازگشت آنان به زندگی سالم اجتماعی اقدام نماید. ماده ۱۳۲ قانون برنامه چهارم توسعه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف است به منظور بهبود وضعیت زندانها و ایجاد بازپروری مناسب و اصلاح و تربیت زندانیان با هدف بازگشت آنان به زندگی سالم اجتماعی و کاهش بازگشت مجدد به جرم توسط زندانیان آزاد شده نسبت اقدام نماید. مطابق بند ن قانون برنامه پنجم «سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی مکلف است با همکاری دستگاه‌های اجرائی، مؤسسات

عمومی و مردم نهاد، به منظور باز اجتماعی شدن محکومان در طول برنامه اقدام نماید. مطابق ماده ۱۱۳ قانون برنامه ششم سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف است ضمن آگاهی دادن به مقامات قضائی در خصوص وضعیت آمار زندانیان و فضای آزاد زندان، ظرفیت پذیرش زندانیان را به صورت برخط و با رعایت جهات امنیتی در اختیار مقامات قضائی صلاحیت‌دار قرار دهد. قضات با لحاظ ظرفیت اعلام شده و تناسب قرار تأمین، از صدور قرارهای تأمین منتهی به بازداشت و یا احکام حبس جز در موارد ضروری به موجب قوانین مربوط خودداری و با رعایت قوانین مربوط از تأسیس‌های جدید کیفری مانند تعلیق تعقیب یا مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی‌های مشروط و مجازات‌های جایگزین حبس استفاده خواهند نمود. دادسرای انتظامی قضات بر حسن اجرای این بند نظارت می‌کند.

روش پژوهش

استفاده از روش‌های علمی مناسب برای دستیابی به نتایج درست و قابل اطمینان در پژوهش، امری ضروری محسوب می‌گردد و بدون وجود یک روش تحقیق مناسب، نتایج و تحلیل‌های مربوطه معتبر و قابل تعمیم نخواهند بود. از این رو روش تحقیق از جمله معیارهای رایج جهت ارزیابی تحقیقات علمی تلقی می‌گردد. روش‌های متعددی برای تحقیق به کار برده می‌شود و معمولاً محققان در خصوص تعریف مشخصی از انواع روش‌های تحقیق، اتفاق نظر نداشته و بر این اساس تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از آن موجود است. این پژوهش تلفیقی از روش‌های کیفی (تحلیل مضمون و تکنیک دلفی) می‌باشد، که ابتدا با پرسش‌های آغازین شروع و مصاحبه‌های اکتشافی با استفاده از روش استقرار تحلیل مضمون استخراج و مدل اولیه طراحی، سپس با استفاده از نظر سنجی خبرگان روش دلفی فازی الگویی نهائی ارائه و پس از تعیین مضامین

فراگیر، سازمان دهنده و پایه به ارائه الگوی اجرای خط‌مشی‌های قضایی در قوه قضائیه پرداخته و نتایج آن مورد مطالعه قرار گرفته است و منجر به ارائه پیشنهادات در این زمینه شده است. از نظر فلسفه پژوهش، این تحقیق از نوع تحقیقات با فلسفه تفسیری، از نظر افق زمانی یک تحقیق تک مقطعی، از نظر هدف شناختی، تحقیق حاضر از نوع کاربردی، استراتژی‌های پژوهش نیز از روش تحلیل مضمونی استفاده شده است. روش پژوهش در مرحله اول کیفی از نوع تحلیل مضمون به روش استقرایی از طریق تعیین جایگاه مضمون در شبکه بر اساس شیوه کینگ و برنارد (۲۰۰۴) است. با توجه به میدانی بودن تحقیق، در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه ساخت یافته ساخته استفاده شده است.

با توجه به رسالت خاص دستگاه قضا و فقدان پژوهش‌های میدانی در حوزه اجرای خط‌مشی در قوه قضائیه، اتکای به ادبیات نظری اجرای خط‌مشی در نهاد قضائی کشور، نتایجی درپی نخواهد داشت از این رو، این پژوهش می‌کوشد تا با استفاده از رویکردی اکتشافی و با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با متخصصان فعال عرصه اجرا در قوه قضائیه، تصویری کلی از شرایط اجرای خط‌مشی در قوه قضائیه ایجاد کرده و حقایق کار را آشکار کند، تا از این طریق بتواند ایده‌های نوینی به وجود آورده و خط سیر پژوهش‌های بنیادی و کاربردی آتی در زمینه اجرای خط‌مشی را ترسیم و تبیین کند. بنابراین در این پژوهش با علم به این موضوع و برای شناسایی جامع عوامل موثر در اجرای خط‌مشی در نهاد قضایی ۲۶ مصاحبه با خبرگان قوه قضائیه در عرصه اجرای خط‌مشی انجام شد. مصاحبه‌ها رودرر و بلافاصله پس از اتمام پیاده سازی و مورد کدگذاری و تحلیل اولیه قرار گرفته است و با استفاده از روش تحلیل مضمون، تحلیل شد. در ابتدای مصاحبه، ضمن بیان هدف کلی پژوهش، تأکید شد که از مصاحبه‌ها فقط برای پژوهش استفاده می‌شود و

هویت افراد به هیچ وجه در گزارش‌های پژوهشی و مقاله‌های منتشرشده مشخص نخواهد شد. ضبط صدای مصاحبه نیز با اجازه از مصاحبه شونده‌گان بود و در صورت مخالفت، به یادداشت برداری از مصاحبه‌ها اکتفا شد. و با توجه به ماهیت نیمه ساختاریافته مصاحبه، و هنگام مفهوم پاسخ‌های ارائه شده، پرسش‌هایی که امکان مطرح شدن داشتند، بیان شدند. در پایان هر مصاحبه، از مصاحبه شونده‌گان درخواست شد چنانچه مطالب دیگری برای طرح دارند اضافه کنند. تمامی افراد مصاحبه شونده در ده سال اخیر در سمت‌های مثل رئیس دادگستری، معاون دادگستری، رئیس سازمان‌های وابسته به قوه قضائی و معاون یا مدیرکل در سطح کلان قوه قضائیه بوده اند. بعد از ۲۶ مصاحبه مولفه‌ی جدیدی به داده‌های ما افزوده نشد و داده‌ها به اشباع نظری رسیده است، پس از اتمام فرآیند مصاحبه، متن مصاحبه‌ها به دقت پیاده سازی شده و به

همراه یادداشت‌های برداشته شده برای تحلیل استفاده شد.

روش تحلیل مضمون: برای تحلیل متن مصاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون (تم) استفاده شد که در پژوهش‌های کیفی کاربرد گسترده‌ای دارد (براون و کلارک، ۲۰۰۶). تحلیل مضمون، مهارت‌های اصلی و لازم برای اجرای سایر روش‌های تحلیل کیفی را فراهم می‌آورد (خانی، دلخواه و خائف الهی، ۱۳۹۷، ص ۴۶۸). با توجه به دیدگاه صاحب نظران، عناوین و طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای مضامین وجود دارد. از میان آنها، کینگ و هاروکس (۲۰۱۰) انواع مضمون را براساس ماهیت مضمون در متن و نقش مضمون در تحلیل طبقه بندی و آتراید و استرلینگ (۲۰۱۰) انواع مضمون را براساس جایگاه مضمون در شبکه مضامین طبقه بندی نموده اند. تحلیل مضمون یک فرآیند خطی

جدول ۱: فرایند گام به گام تحلیل مضمون

مرحله	گام	اقدام
آشنا شدن با متن مورد بررسی		پیاده سازی داده‌ها (در صورت لزوم)
		مطالعه مجدد داده ها
		نوشتن ایده‌های اولیه
ایجاد کدهای اولیه		پیشنهاد چارچوب کدگذاری
		تفکیک متن به بخش‌های کوچک تر
		کد گذاری ویژگی‌های جالب
تطبیق دادن کدها با مضامین بالقوه		استخراج مضامین از بخش‌های کد گذاری شده متن
		پالایش و باز بینی مضامین
		بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای استخراج شده
ترسیم شبکه مضامین		مرتب نمودن مضامین
		انتخاب مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر
		ترسیم شبکه‌های مضامین
تشریح متن	تحلیل شبکه مضامین	تعریف و نام گذاری مضامین
		توصیف و توضیح شبکه مضامین
		تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح مضامین
تدوین گزارش		استخراج نمونه‌های جالب و مورد توجه داده ها
		مرتبط نمودن نتایج تحلیل با سوالات تحقیق و مبانی نظری
		نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل ها

(براون و کلارک ۲۰۰۶)

و صرفاً حرکت از یک مرحله به مرحله بعد نیست، بلکه یک فرآیند رفت و برگشتی است که در صورت نیاز در همه مراحل تحقیق صورت می‌گیرد. همچنین تحلیل مضمون، فرآیندی است که طی زمان شکل می‌گیرد و نباید با عجله انجام شود (براون و کلارک، ۲۰۰۶). در رابطه با هر یک از مفاهیم، جمع بندی‌هایی که مبتنی بر نقل قول‌هایی از مصاحبه‌شوندگان است، ارائه می‌شد. دو نوع تحلیل مضمون وجود دارد که با استفاده از آن می‌توان محتوای مصاحبه‌ها را تحلیل کرد، تحلیل مضمون نظری یا قیاسی (بالا به پایین) و تحلیل مضمون استقرای (پایین به بالا) (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

جهت ایجاد شبکه مضامین از روش شبکه مضامین آتراید استرلینگ استفاده شده است. شبکه مضامین بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام مند می‌کند.

شبکه مضامین با بهره‌مندی از گروه کانونی به اجرا درآمد در خصوص روش پژوهش پانل مراحل زیر در نظر گرفته شده است. ۱- انتخاب اعضای گروه کانونی: اعضای گروه کانونی به صورت هدفمند و بر پایه تخصص علمی و تجربه اجرایی در حوزه اجرا در قوه

قضائیه انتخاب شدند. این افراد متخصصان اجرایی قوه قضائیه ۳ نفر و تیمی از دانشگاهیان ۲ نفر بود و در مجموع ۵ نفر در این پانل حضور داشتند. ۲- توجیه اعضای گروه کانونی انتخابی: به طور کلی شش جلسه برگزار شد که در جلسه نخست، در خصوص اهداف تحقیق و شیوه جمع‌آوری اطلاعات توضیحاتی داده شد و در جلسه‌های بعدی کلیه اطلاعات لازم گردآوری شدند.

روش دلفی فازی: با توجه به این که هیچ راهنمای ساختاری و تئوریک در زمینه اجرای خط‌مشی‌های قضائی وجود نداشت، ابتدا به منظور شناسایی مضامین از روش نمونه‌گیری هدفمند و با در نظر گرفتن شاخص اشباع نظری در مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان قوه قضائیه با استفاده از روش تحلیل مضمون، مضامین و مؤلفه‌های اجرای خط‌مشی‌های قضائی شناسایی شدند، در مرحله دوم، با توجه به شناسایی مضامین اجرای خط‌مشی‌های قضائی از طریق مصاحبه و احتمال وجود سوگیری در نظرات آنها، به منظور حصول اطمینان از صحت، دقت، کاربردی بودن و جامعیت مراحل شناسایی شده و رفع سوگیری‌های احتمالی از تکنیک دلفی فازی جهت دستیابی به توافق گروهی بین خبرگان استفاده شد. روش دلفی فازی استفاده شده که از رایج‌ترین دلفی فازی‌های مورد

جدول ۲: طبقه بندی انواع مضامین از دیدگاه صاحب نظران

مبنای طبقه بندی	انواع مضمون	شرح مضمون	پژوهشگر
ماهیت مضمون در متن	توصیفی	آنچه در متن آمده، همان گونه توصیف می‌کند.	کینگ و هاروکس (۲۰۱۰)
	تفسیری	آنچه در متن آمده، تعبیر و تفسیر می‌کند.	
	رابطه‌ای	نشان دهنده نوع رابطه در متن است.	
نقش مضمون در تحلیل	کلان	بخش عمده‌ای از مضامین شناخته را در خود جای می‌دهد	کینگ و هاروکس (۲۰۱۰)
	یکپارچه کننده کلیدی	مضامین کلیدی را حول یک محور مشترک گرد هم می‌آورد مبین نکته مهم و برجسته‌ای در متن است.	
جایگاه مضمون در شبکه مضامین	فراگیر	در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد	آتراید و استرلینگ (۲۰۱۰)
	سازماندهنده پایه	واسطه مضامین فراگیر و پایه شبکه است. مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آنها، مضمون سازمان دهنده ایجاد می‌شود.	

استفاده در سطح بین‌المللی است؛ روش دلفی فرایندی گروهی است که شامل ارتباط متقابل میان پژوهشگر و گروهی از خبرگان شناسایی شده، در ارتباط با موضوعی مشخص است که معمولاً از راه پرسش‌نامه نظرهای خبرگان گردآوری می‌شود (لینستون و توروف، ۲۰۰۲). فرایند روش دلفی فازی به شرح زیر است: ۱- جمع‌آوری نظرات گروه خبرگان: بدین منظور از یک طیف هفت‌گزینه‌ای متغیرهای زبان شناختی استفاده کردیم. این طیف از گزینه کاملاً بی‌اهمیت تا کاملاً با اهمیت رده‌بندی شد. ۲- تبدیل متغیرهای کلامی به اعداد فازی مثلث. مبنای انتخاب افراد در روش دلفی تخصص و تجربه آنها در خصوص موضوع مورد مطالعه است. لذا انتخاب اعضای واجد شرایط برای گروه دلفی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. آنچه که صحت و اعتبار نتایج حاصل از تکنیک دلفی را ارتقاء می‌دهد، تخصص و خبرگی افراد گزینش شده در موضوع مورد مطالعه است که بر مبنای این ضرورت بر خلاف پیمایش‌های کمی، به جای استفاده از شیوه‌های نمونه‌گیری احتمالی یا تصادفی برای گزینش نمونه‌ها از روش‌های نمونه‌گیری غیر احتمالی استفاده می‌شود. در انتخاب به روش دلفی از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. لذا ابتدا ۱۰ نفر از خبرگان علمی در دانشگاه‌های کشور که سوابق تدریس در دانشگاه و تحقیقات و مقالاتی در این حوزه داشتند و ۱۰ نفر از خبرگان علمی در حوزه اجرای خطمشی قوه قضائیه به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب گردیده‌اند در مجموع ۲۰ خبره، یا در حوزه علمی و تخصصی اجرای خطمشی صاحب‌نظر بوده و یا در اجرا خطمشی‌های مورد مطالعه درگیر و یا ترکیب از هر دو ویژگی را داشته‌اند.

روای و پایایی: صاحب‌نظران گوناگون برای ارزشیابی کیفیت در پژوهش‌های کیفی، معیارهای متفاوتی را مطرح کرده‌اند و با تأکید بیشتر بر بحث ارزشیابی کیفیت، از به‌کار بردن مفاهیم روایی و پایایی

در این نوع پژوهش‌ها اجتناب کرده، به جای آنها از واژگان معیار اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد استفاده می‌کنند (محمدپور، ۱۳۹۲). گوبا و لینک (۱۹۸۵) معتقدند که قابلیت اعتماد دربرگیرنده چهارمعیار جداگانه، اما به هم مرتبط باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری است. الف) باورپذیری: از نظر گوبا و لینک (۱۹۸۵) باورپذیری با میزان باورداشتن به یافته‌های پژوهش ارتباط دارد. در یک پژوهش باورپذیر، داده‌ها همساز و همبسته هستند؛ نه پراکنده و متناقض. برای تأمین این معیار از روش بازخورد مشارکت‌کننده (فقیهی و علیزاده، ۱۳۸۴). در این پژوهش باورپذیری به وسیله تحلیل‌های انجام شده در حین پژوهش، درگیری طولانی مدت، ارائه بازخورد از مشارکت‌کنندگان و یافته‌های پژوهش تأمین شده است. ب) انتقال‌پذیری: درانتقال‌پذیری، هدف دادن اطلاعات کافی به خواننده برای قضاوت درباره کاربردپذیری یافته‌ها در محیط‌های دیگر است (مختاریان پور، ۱۳۹۲). دو روش نمونه‌گیری به کار رفته در این تحقیق یعنی نمونه‌گیری با حداکثر تنوع و نمونه‌گیری بر مبنای اعتبار باعث ارتقاء انتقال‌پذیری نتایج تحقیق می‌شوند (تدلی و یو ۲۰۰۷). در این پژوهش مصاحبه شونده‌گان کسانی انتخاب شده است همه جزئیات مرتبط با فرآیند اجرای خطمشی در نهاد قضائی را داشته باشند. ج) اطمینان‌پذیری: اطمینان‌پذیری عبارت است از توانایی شناسایی جاهایی که داده‌های یک مطالعه معین از آن آمده، گردآوری شده و به کار رفته‌اند (مختاریان پور، ۱۳۹۲). در این پژوهش به منظور دستیابی به اطمینان‌پذیری داده‌ها، روش‌ها و تصمیم‌های مربوط به پژوهش مستندسازی شده تا امکان رسیدگی توسط دیگر پژوهشگران فراهم شود. د) تأییدپذیری: تأییدپذیری با جزئیات روش شناسی‌های به‌کاررفته در پژوهش ارتباط دارد و به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا پژوهشگر به اندازه کافی جزئیات واگذار نموده است تا بر اساس آن بتوان گردآوری و تحلیل

داده‌ها را ارزیابی کرد (مختاریان پور، ۱۳۹۲). در این پژوهش برای تأمین تأییدپذیری پژوهش از استراتژی ارائه جزئیات روش‌ها و داده‌های پژوهش استفاده شده است تا امکان ارزیابی روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها برای پژوهشگران دیگر و خوانندگان فراهم شود. به طور کلی به به منظور افزایش اطمینان از روایی پژوهش و دستیابی به معیارهای مؤثر اقدامات زیر انجام شده است.

مشارکتی بودن پژوهش: ۱- از مشارکت کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد. ۲- خبرگان پندارای دانش و تجربه مرتبط با موضوع پژوهش، توانایی و تمایل به مشارکت، مشارکت داشتن در فرایند تدوین و اجرای خط‌مشی و مهارت‌های ارتباطی موثر بودند. ۳- به صورت مستمر با مشارکت کنندگان ارتباط برقرار شده و از نظرهای آنها برای اصلاح برداشت‌ها استفاده شد. ۴- ارائه نتایج پژوهش به مصاحبه شونده‌گان و اخذ نظر آنها و اعمال نظرات اصلاحی ۵- مشارکت کنندگان، نظر خود را درباره گزارش پژوهش و فرآیند داده‌ها عرضه کردند و مطابق نظرات آنها، نتایج بازبینی شد که در حد اصلاح عناوین برخی مقولات و مفاهیم زیرمجموعه آنها بوده است.

اجماع پذیری: ۱- تعداد ۵ نفر از مجریان قوه قضائیه گزارش نهایی مرحله نخست فرایند تحلیل و مفاهیم به دست آمده را بازبینی کردند. پیشنهادهای آنها در شبکه مضامین اعمال شد. ۲- یک عضو هیئت علمی دانشگاه با دو تا از دانشجویان دکتری مدیریت دولتی با سابقه بیش از ۱۵ سال خدمت در قوه قضائیه و دانشگاه مراحل انجام تحقیق و یافته‌ها مرور و سؤالها و انتقاداتی که در مورد روشها، معانی و تفاسیر موجود در پژوهش مطرح کردند، پاسخ داده شد. ۳- بررسی کدگذاری و مفاهیم به دست آمده توسط یک عضو هیئت علمی دانشگاه ۴ نفر از نخبگان قوه قضائیه با سابقه خدمت حداقل ۱۴ سال انجام شد. ۴- مقایسه داده‌های مصاحبه با

مشاهده پژوهشگران و نظارت اعضای گروه پژوهش بر فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

کثرت گرایی: ۱- کثرت گرایی در این پژوهش شامل تکثر مکانی و کثرت مشارکت کنندگان در پژوهش است. تکثر مکانی به این معناست که مصاحبه با مجریان سازمان‌های مختلف قوه قضائیه انجام شد. ۲- مصاحبه با مجریان و پژوهشگران اجرای خط‌مشی انجام گرفت. ۳- تنوع سطوح مصاحبه شونده‌گان (خبرگان علمی، اجرایی)

مقبولیت: ۱- جهت افزایش مقبولیت از روش‌های بازنگری توسط شرکت کنندگان استفاده شد. برای رسیدن به آن، محققان علاوه بر بازگرداندن گفتار و پنداشت‌ها در طول انجام مصاحبه و خلاصه کردن گفت‌های مصاحبه شونده در پایان تمام مصاحبه‌ها توسط مصاحبه‌گران و تأیید یا اصلاح آن توسط آنان متن کامل تاپی و دست‌نویس، ۵ مصاحبه اول همراه با کدهای سطح اول به افرادی که از آنها مصاحبه به عمل آمده بود جهت تأیید و یا اصلاح برگردانده شد که همگی مورد تأیید قرار گرفته و نکات پیشنهادی آنها در نظر گرفته شد. ۲- برای قابلیت تأیید در مرحله پایانی طبقات به دست آمده به پنج نفر از مشارکت کنندگان اولیه به منظور بازبینی و تأیید برگردانده شد و نکات پیشنهادی اعمال گردید. درگیری مداوم با زمینه و بازنگری ناظرین که براساس آن متن کامل سه مصاحبه اولیه پیاده شده همراه با کدگذاری باز به دو تن از همکاران تیم تحقیقاتی و ۲ تن از دانشجویان دکتری مدیریت ارائه و نظر تأییدی آنها در جهت پیاده کردن کدگذاری صحیح متون دریافت شد به این روند کمک بسیاری کرد.

یادداشت: ۱- اطلاعات دریافتی از مصاحبه شونده‌گان در جلسه مصاحبه ضبط شده و در عین حال یادداشت برداری نیز صورت گرفت. ۲- از آنجا که هر پژوهشگری در فرایند تحلیل یافته‌ها نمی‌تواند تمام مباحث‌ها،

می‌گردید و مفاهیم حذف و یا اضافه شده به اطلاع آنان می‌رسید.

علاوه بر این جهت اعتماد به کد گذاری‌های انجام شده در پژوهش برای محاسبه پایایی بازآزمون، از بین مصاحبه‌های انجام گرفته، تعداد ۵ مصاحبه انتخاب شده و هر کدام از آنها دو بار در یک فاصله زمانی دوهفته‌ای توسط پژوهشگر کدگذاری شده اند. پایایی بازآزمون مصاحبه‌های انجام گرفته با استفاده از فرمول ذیل، برابر ۸۸ درصد است که باتوجه به اینکه پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید می‌شود.

$$\text{درصد توافقی} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 100}{\text{تعداد کل کدها}}$$

یافته‌ها

ظهور مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

بعد از برگزاری جلسه‌های مصاحبه و جمع بندی اطلاعات به دست آمده با استفاده از روش تحلیل مضمون و دسته بندی و استخراج مفاهیم هم دسته، مفاهیم پایه و سپس مفاهیم سازمان دهنده و در نهایت مضامین فراگیر ایجاد گردید. مضامین پایه در واقع همان نکات کلیدی و الگوهای جذاب موجود در متون پیاده شده مصاحبه هاست که مبنا و تشکیل دهنده تحلیل مضمون است. با توجه به اینکه مضامین، بسیار متنوع و متعدد و یا به موضوعات کاملاً متفاوت و متمایزی مرتبط می‌باشند، ضروری است مضامین سازمان دهنده نیز در گروه هایی با محتوای همگون، طبقه بندی و هر گروه از آنها ذیل مضمون فراگیر متمایزی گردآوری شوند، بنابراین بررسی مضامین سازمان دهنده، مضامین فراگیر به شرح جداول ذیل تعریف و دسته بندی شدند.

نظرها، بینشها و گفته‌ها را در ذهن نگه دارد، استفاده از نوشته‌ها ضرورت می‌یابد.

اعتماد پذیری: ۱- مرور مصاحبه‌های انجام شده و ارزیابی مجدد کدگذاری‌ها و تفسیرها؛ ۲- مقایسه داده‌های مصاحبه با مشاهده پژوهشگر در دستگاه قضا ۳- ارائه نتایج به مصاحبه شونده‌گان ۴- دقت پژوهشگر و مطالعه چندین بار مفاهیم استخراج شده ۵- گردآوری داده‌ها تا مرحله اشباع نظری

صرف زمان: ۱- صرف مدت ۹ ماه برای مصاحبه‌ها و هدایت مستقیم مصاحبه‌ها ۲- انجام مصاحبه‌ها و هدایت مستقیم مصاحبه‌ها به مدت هر مصاحبه ۱ تا ۲ ساعت

توصیف مشروح: ۱- توصیف تفصیلی و دقیق فرآیند، متن و زمینه پژوهش و تشخیص داده‌های انحرافی

اصطلاح پایایی که گاهی مترادف با قابلیت اعتماد، ثبات، همسانی، قابلیت پیش بینی، دقت و صحت و اعتبار است. عبارت است از ثبات اندازه‌ها در دفعات اندازه گیری، به عبارتی؛ اگر یک مجموعه از چیزها را با یک ابزار اندازه گیری، یا با ابزار مشابه آن بارها اندازه‌گیری کنیم، آیا نتایج یکسان به دست می‌آید (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲، ۵۱۵). برای سنجش پایایی نیز روشهای متفاوتی معرفی شده است که از آن جمله میتوان توافق درصدی، روش هولستی، آلفای کربیندورف، کاپای کوهن و پای اسکات را نام برد (نئوندورف، ۲۰۰۲).

در این پژوهش به منظور حفظ پایایی تحقیق ۱- روش دلفی برای موضوع مورد استفاده قرار گرفت ۲- تلاش شد تا اجماع ایجاد گردد ۳- مشارکت کنندگان با موضوع ارتباط کامل داشتند. ۴- در هر مرحله بازخورد به مشارکت کنندگان در پژوهش ارائه

جدول ۳: مضامین پایه و سازماندهنده ذیل مضمون فراگیر «حکمرانی قضایی شبکه ای»

مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
سایر قوا و نهادهای دولتی	۱- تعامل و تقویت روابط قوا جهت اجرای مناسب خطمشی‌های قضایی ۲- مشارکت و هماهنگی با نهادهای دولتی مرتبط با اجرای خطمشی و راه اندازی کمیته هماهنگی بین دستگاه‌های درگیر در اجرا
نهادهای مردمی	۳- تعامل و تقویت ارتباطات مجریان قوه قضائیه با بازیگران دولتی و غیر دولتی و شبکه نقش آفرینان دولتی مرتبط با اجرای خطمشی ۴- تعامل سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی تشکل‌های فرهنگی مردمی با قوه قضائیه ۵- استفاده از ظرفیت نهادهای عمومی غیردولتی ۶- تشویق نیروهای مردمی و شهروندان به حمایت از خطمشی
رسانه‌ها و مطبوعات	۷- انتشار بازخورد صدور آراء موثر در رسانه‌ها ۸- استفاده از پتانسیل رسانه‌های رسمی برای انعکاس عملکرد نظام قضایی به شهروندان و انعکاس مستمر و صحیح اخبار اجرای خطمشی‌ها در رسانه‌ها و مطبوعات ۹- استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و مطبوعات جهت آگاه سازی مردم از مطالبه حقوق عامه
شبکه‌ها اجتماعی	۱۰- افزایش قابلیت شبکه‌های مجازی جهت پیشگیری از وقوع جرایم و کنترل خشونت ۱۱- استفاده از قابلیت شبکه‌های اجتماعی برای سنجش میزان رضایت مردم از چگونگی اجرای خطمشی‌های قضایی و انعکاس عملکرد دستگاه قضا ۱۲- تعامل و ارتباط دو جانبه بین دستگاه قضا و مردم از طریق شبکه‌های اجتماعی و مجازی جهت اطلاع از نظرات و سوال‌های افکار عمومی

جدول ۴: مضامین پایه و سازماندهنده ذیل مضمون فراگیر «سیاست‌های اجرا»

مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
پاسخگویی و شفافیت	۱۳- پاسخگویی و شفافیت در ارائه عملکرد دستگاه قضایی ۱۴- پاسخگویی به جامعه در خصوص چگونگی سازماندهی تصمیمات نظام قضایی ۱۵- شفافیت در رسیدگی‌ها و اطلاع‌رسانی مداوم ۱۶- شفافیت در آراء صادره ۱۷- ارتباط شفاف قضات دادگستری‌ها و کارکنان با وکلا و کارشناسان
قاطعیت در اجرا	۱۸- برخورد قطعی و بدون تسامح نظام عدالت با تمام متخلفین بویژه متنفذین سیاسی و اقتصادی ۱۹- برخورد با فشارهای اجتماعی گروه‌های ذی نفوذ هنگام تدوین و اجرای خطمشی‌ها ۲۰- جلوگیری از حاکمیت روابط شخصی بر قانون
تدوین و تنقیح قوانین	۲۱- شناسایی خلاءهای قانونی و اقدام برای تجمیع قوانین ۲۲- بازنگری قوانین و مقررات با رویکرد نوین و حذف قوانین تکراری ۲۳- بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرایم و کاهش استفاده از مجازات زندان ۲۴- حذف قوانین و مقررات متنوع در موضوع خاص و تطابق قانون با شرایط جامعه و انعطاف پذیری قوانین و مقررات ۲۵- تدوین و اصلاح قوانین بر مبنای واقعیت‌های موجود و مقتضیات زمان ۲۶- قاطعیت در تدوین قوانین ۲۷- استفاده قضات از قوانین جدید التصویب
مشروعیت بخشی به نظام قضایی	۲۸- مشروعیت مجریان در ساختار نظام قضایی ۲۹- مشروعیت نظام قضایی برای مسئولان و مردم

مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
اصلاح و بهبود رویه صدور آراء و رویه رسیدگی به دعاوی	۳۰- صدور آراء هماهنگ و وحدت رویه در صدور آراء ۳۱- جلوگیری از صدور آراء فرمی و فاقد استدلال ۳۲- تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی ۳۳- کاستن مراحل دادرسی به منظور دستیابی به قطعیت احکام در زمان مناسب ۳۴- یکسان سازی آیین دادرسی در نظام قضایی کشور با رعایت قانون اساسی ۳۵- اصلاح رویه رسیدگی به دعاوی و اتقان آرای دادگاه‌ها
پیشگیری از وقوع جرم	۳۶- تلاش در راستای ریشه‌یابی علل وقوع جرم و پیشگیری از وقوع جرم در سطح جامعه ۳۷- ارائه راهکارهای علمی برای پیشگیری از جرایم و شناسایی ریشه جرم و فراهم آوردن اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش جرائم ۳۸- تدوین قوانین کاربردی و قابل اجرا در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و آسیب شناسی جرائم با مشارکت جامعه مدنی، مراکز علمی و پژوهشی و نیروی‌های داوطلب مردمی
عدالت مداری	۳۹- رسیدگی به دعاوی، منصفانه و منطبق با قانون و اقامه عدل بعنوان رسالت اصلی قوه قضائیه ۴۰- اجرای بدون تبعیض خط‌مشی‌ها در راستایی کاهش اطاله دادرسی طولانی و کاهش جمعیت کیفری ۴۱- اجرای عدالت بدون تبعیض به اتهامات مرتکبان جرائم کیفری، مدنی و سیاسی ۴۲- اجرای عدالت در حقوق مخالفان، مذاهب و مجرمین ۴۳- عدالت محوری در جذب نیروی انسانی انقلابی و نخبه ۴۴- قاطعیت در برقراری عدالت
فساد زدایی	۴۵- تقویت زیر ساخت‌های سلامت اداری برای کاهش فساد ۴۶- مخالفت با قانون‌گریزی و هنجارشکنی و مبارزه با رانت خوری ۴۷- مقابله جدی با فساد سازمان یافته و تلاش برای حذف آن ۴۸- همکاری قوای سه گانه برای مقابله با چالش‌های رانتی ۴۹- سخت‌گیری نسبت به فساد درون قوه قضائیه و تلاش برای عدم سوءاستفاده از جایگاه قانونی ۵۰- ایجاد دادگاه‌های ویژه مفاسد اقتصادی ۵۱- جلوگیری از اخذ رشوه در سازمان‌های دولتی و جلوگیری از فعالیت‌های زیر میزبانی در ادارت ۵۲- عدم تاثیر پذیری از دیگر ارگان‌ها و مقامات سیاسی و صاحب نفوذ، نهادهای مدنی، مصبوعات و رسانه هنگام صدور رای مفسیدن سازمان‌های دولتی

جدول ۵: مضامین پایه و سازماندهنده ذیل مضمون فراگیر «شهروندان»

مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
اعتماد عمومی	۵۳- اعتماد مردم به کارگزاران نظام قضائی (قضات و کارکنان) ۵۴- اطمینان مردم از پشتیبانی قانون از حقوق فردی و جمعی آنان ۵۵- تساوی عامه مردم در مقابل قانون و رفع تبعیض‌ها بین مردم عادی و مقامات و نهادهای داری قدرت هنگام مراجعه به دادگستری‌ها
احیای حقوق عامه	۵۶- برابری حقوق شهروندان در رفتارهای اجتماعی ۵۷- پشتیبانی دستگاه قضائی از مردم و عدم استتکاف از وظیفه‌ی احقاق حق
آگاهی بخشی و توانمند سازی	۵۸- آگاه سازی شهروندان از قوانین و چگونگی اجرای آن و ارائه بازخورد به آنان ۵۹- آگاهی به شهروندان برای انتخاب آزادانه وکیل و کارشناس در طول فرایند دادرسی ۶۰- اطلاع شهروندان از حقوق دادخواهی خود از جمله نوع، علت اتهام، تجدیدنظرخواهی از احکام

جدول ۶: مضامین پایه و سازماندهنده ذیل مضمون فراگیر «ویژگی شخصی قضات»

مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
تخصص و مهارت	۶۱- خلاقیت در تفسیر و برداشت درست از قوانین
و ظرفیت‌های فردی	۶۲- صبوری در شنیدن صدای مراجعین
	۶۳- بهره‌گیری از تجربیات قضات موفق
	۶۴- اشراف و تسلط بر قوانین و داشتن صلاحیت علمی و تسلط بر محتویات پرونده‌ها
	۶۵- توانایی درک شرایط بزه کاران و بزه دیدگان
بی طرف و استقلال	۶۶- استقلال در تصمیمات و عدم وابستگی به شخص خاص
	۶۷- محکومیت‌ها بدون تأثیرپذیری از دخالت افراد صاحب قدرت و نهادها صاحب قدرت
	۶۸- برخورد عادلانه و مستقل به همه مراجعین اعم از اقلیت‌ها و سایر اقشار جامعه در مسائل مربوط به اجرای قوانین
ایمان و اخلاق	۶۹- داشتن ایمان، تقوا و پاکدستی
مداری	۷۰- داشتن اداب و نزاکت هنگام برخورد با طیف‌های مختلف مراجعین

جدول ۷: مضامین پایه و سازماندهنده ذیل مضمون فراگیر «ساختار اجرا»

مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
قانون مداری	۷۱- مستند و مستدل بودن احکام دادگاه‌ها به قانون و تصمیم‌گیری در تمامی جوانب قانونی
	۷۲- پیروی از اصول قانون اساسی و قوانین عادی و عمومی هنگام تدوین خط‌مشی
	۷۳- اجرای ساست‌های قوه قضائیه بر مبنای اصول قانونی و تبعیت از قوانین وضع شده
	۷۴- فراهم نمودن امنیت قضائی عادلانه برای همه اقشار جامعه
	۷۵- عملی کردن اصل برابری همگان در مقابل قانون
	۷۶- استقلال دستگاه قضا و عدم دخالت سایر قوا و نهادها در کار دستگاه قضا
	۷۷- رعایت قوانین در کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین
	۷۸- جلوگیری از اعمال هرگونه سلاخی شخصی و سوءاستفاده از قدرت هنگام تدوین و اجرای قوانین
	۷۹- جلوگیری از اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت
نظارت و کنترل	۸۰- کنترل قرارهای شکلی از جمله عدم صلاحیت، عدم استماع، رد دعوا، رد دادخواست، ارجاع به مرجع شبه قضائی
کارآمد	۸۱- نظارت دقیق و قانونمند بر کار قضات و کارکنان و برخورد قانونی با متخلفان قضایی
	۸۲- ارزیابی عملکرد دستگاه قضایی و بررسی قانونی بودن تصمیمات و اقدامات قضات
	۸۳- نظارت بر اعمال فشارهای خارجی برای تأثیرگذاری بر تصمیمات قضایی
	۸۴- نظارت بر شکل‌گیری هرگونه حاشیه‌ی مرتبط با نوع تصمیم قضایی و رفتارهای غیر متعارف با طرف‌های پرونده
	۸۵- نظارت مستمر بر نحوه عمل و رفتار کارشناسان و وکلا جهت حصول اطمینان از حسن جریان امور
	۸۶- ایجاد نهاد ناظر جهت نظارت بر چگونگی صدور آراء قضایی
	۸۷- نظارت بر چگونگی کیفیت آراء قضایی
	۸۸- نظارت بر ضابطین قضایی در تشکیل پرونده‌های کیفری
ساختار چابک و انعطاف‌پذیر	۸۹- ساختار انعطاف‌پذیر و متغیر با نوع خط‌مشی
	۹۰- تبعیت تشکیلات نظام قضائی از ضوابط علمی
	۹۱- حذف تشریفات زاید اداری در ساختار دستگاه قضا
	۹۲- ایجاد و تقویت دادگاه و کمیته‌های مستقل
	۹۳- برون‌سپاری امور غیرقضایی و جلوگیری از توسعه بی‌رویه مراجع غیرقضایی
	۹۴- اصلاح و بانگری تشکیلات اداری مطابق با رسالت قوه قضائیه

مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
انسجام و یکپارچگی	۹۵-تشکیل ستاد مرکزی در قوه قضائیه برای هماهنگ کردن اجرای خطمشی ۹۶-همکاری و تعامل حداکثری میان معاونت‌های مختلف دستگاه قضا ۹۷-همکاری و تعامل سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه
توسعه ساختاری و محتوایی	۹۸-تولید محتوا بر اساس نقشه‌ی راه قوه قضائیه و بومی‌سازی قوانین ۹۹-ارتقاء سطح دانش و تکنولوژی در ساختار قوه قضائیه برای همه ارکان نظام قضائی ۱۰۰-توسعه ظرفیت علمی و تخصصی همه ارکان قوه علی‌الخصوص کارگزاران خط مقدم
مرکز مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی و قضایی	۱۰۱-اخلاقیت در تولید اندیشه و فکر جدید و نوآوری و حمایت از پژوهش‌های مسأله‌محور ۱۰۲-ترویج فرهنگ پژوهش محوری و تشویق پژوهشگران برای انجام کارهای پژوهشی ۱۰۳-حمایت از طرح‌های نوین پژوهشی برای اجرای خطمشی و انتشار و استفاده از دستاوردهای پژوهشی ۱۰۴-ایجاد سازوکار تعاملی و تشکیل کمیته مشترک بین دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی با قوه قضائیه در امر پژوهش ۱۰۵-استفاده از ظرفیت جوانان متدین، انقلابی و نخبه در امر پژوهش ۱۰۶-تشکیل مراکز مطالعاتی و بخش‌های پژوهشی متعددی در قسمت‌های مختلف دستگاه قضایی و فراهم کردن زمینه زیرساخت‌های علمی
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۱۰۷-توسعه ارتباطات و زیرساخت‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات ۱۰۸-بستر سازی نرم افزاری و سخت افزاری و بهره‌گیری از روش‌های مدرن در دستگاه قضا

جدول ۸: مضامین پایه و سازماندهنده ذیل مضمون فراگیر «توانمند سازی کارکنان»

مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
مشارکت و دموکراسی	۱۰۹-ایجاد فضائی مبتنی بر مشارکت بین مجریان سطح کلان مدیریتی، قضات و بوروکرات‌های سطح خیابان و تقویت گفتگو و مشارکت بین مجریان ارشد، قضات، کارکنان و ارباب رجوع ۱۱۰-نهادینه سازی خردجمعی و اجماع در ساختار اجرائی و تشکیلاتی ۱۱۱-مشارکت ایده‌های جدید خیرگان دانشگاهی و حوزوی در نحوه ی اجرا و تعامل با نخبگان حوزوی و دانشگاهی ۱۱۲-تاکید بر کار گروهی و تیمی
روابط و تعاملات میان خطمشی‌گذاران و مجریان خطمشی	۱۱۳-هماهنگی و تعامل بین مجریان خطمشی و خطمشی‌گذاران ۱۱۴-همکاری تدوین کنندگان از نحوه ی تفسیر و برداشت صحیح مجریان از خطمشی‌های تدوین شده ۱۱۵-ایجاد کانال‌های ارتباطی موثر بین مجریان و تدوین کنندگان برای اطلاعات از نحوه اجرای خطمشی و ارتباط دوستانه و بدون تنش بین مجریان خطمشی و خطمشی‌گذاران
آموزش و توسعه کارکنان	۱۱۶-راه اندازی اتاق‌های فکر و مراکز آموزشی ۱۱۷-بالا بردن سطح علمی مراکز آموزش حقوقی متناسب با نیاز نظام قضایی ۱۱۸-استفاده از آثار علمی پژوهشگران، نخبگان و کارشناسان در بررسی لوایح

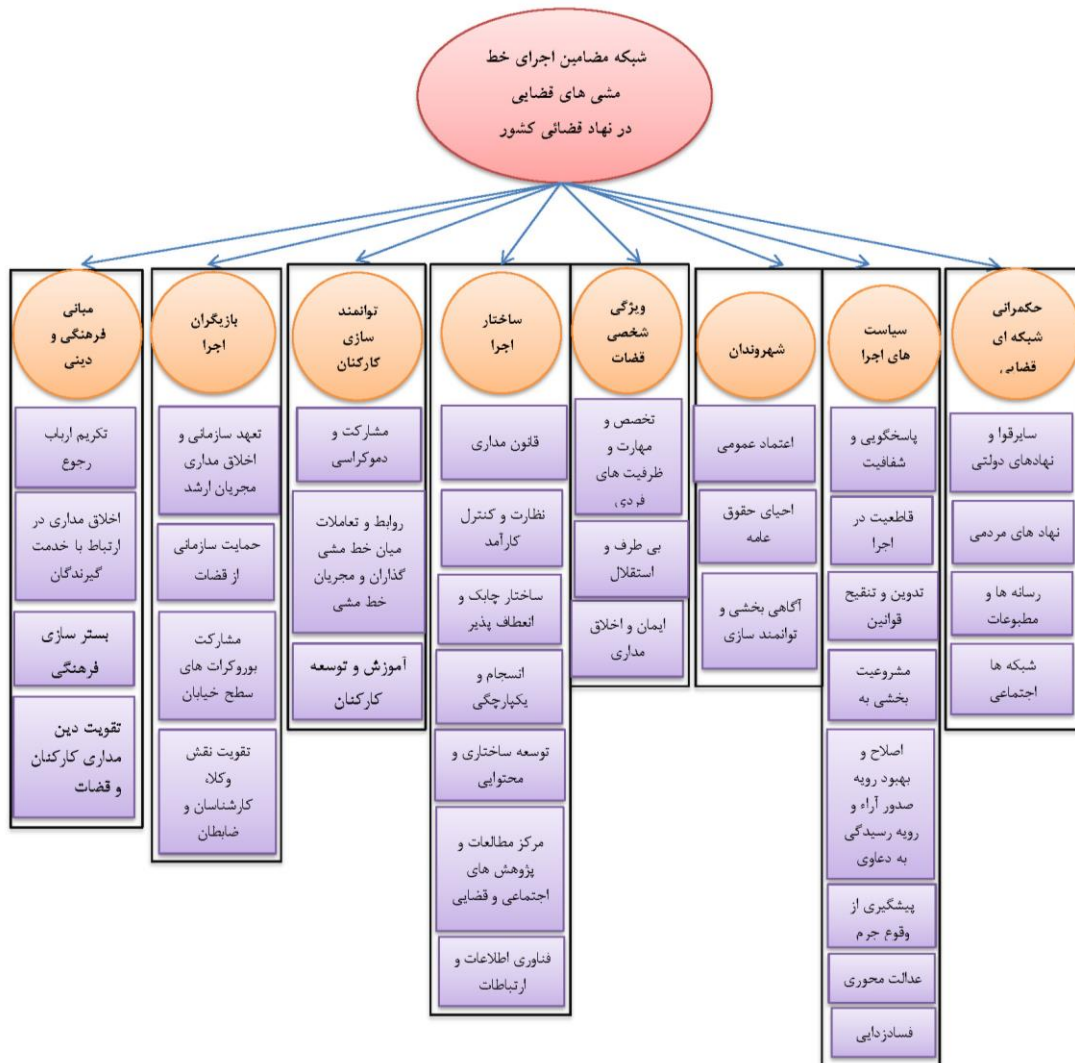
جدول ۹: مضامین پایه و سازماندهنده ذیل مضمون فراگیر «بازیگران اجرا»

مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
تعهد سازمانی و اخلاق مداری مجریان ارشد	۱۱۹-مسئولیت‌پذیری، صداقت و امانت مجریان هنگام اجرای خطمشی ۱۲۰-تفویض اختیار قانونی مجریان و آزادی عمل برای خطمشی‌های که قوانین جوابگو نیست ۱۲۱-اجرا و عمل مقامات در حیطه صلاحیت قانونی ۱۲۲-اعتقاد مجریان به قوانین تصویب شده ۱۲۳-تصدی منصب‌های مجریان بر حسب شایستگی و سلامت کاری ۱۲۴-تقید و تاکید مجریان به نظم و انضباط اداری

مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
حمایت سازمانی از قضاات	۱۲۵- فراهم آوردن احساس عزت و شرافت در قاضی ۱۲۶- ایجاد شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مناسب برای تأمین استقلال قضاوت ۱۲۷- پیشگیری از هرگونه صدمه و آسیب روحی، فیزیکی و معیشتی به قاضی ۱۲۸- حمایت کیفری از شخصیت قاضی و تصمیمات قضایی او و تأمین امنیت شغلی قاضی ۱۲۹- عزل، نصب، تعلیق و نقل و انتقال قضاات مطابق قانون
مشارکت بوروکرات‌های سطح خیابان	۱۳۰- مشارکت کارکنان و مجریان سطوح پایین در تصمیم‌گیری‌ها ۱۳۱- واگذاری اختیار متناسب با مسئولیت و سطح تخصص به مجریان سطوح پایین ۱۳۲- استفاده از دانش بوروکرات‌های محلی و توجه به خدمات ۱۳۳- ارتقاء جایگاه، شأن و منزلت کارکنان سطوح پایین متناسب با کارکرد ۱۳۴- زمینه‌سازی جذب و نگهداری نیروهای متخصص و جوان
تقویت نقش وکلا، کارشناسان و ضابطان	۱۳۵- استفاده از فرصت وکیل و کارشناس برای همه ۱۳۶- استقلال وکلا در دفاع از موکل خویش ۱۳۷- آموزش و توانمندسازی و افزایش مهارت ضابطان دادگستری‌ها در زمینه امور کیفری و مدنی ۱۳۸- وجود تقارب و تقارن در نظریه‌های کارشناسان ۱۳۹- اظهار نظر به موقع و صریح کارشناسان و پزشکان قانونی جهت سرعت در فرآیند دادرسی کیفری و کاهش اطاله دادرسی

جدول ۱۰: مضامین پایه و سازماندهنده ذیل مضمون فراگیر «مبانی فرهنگی و دینی»

مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
تکریم ارباب رجوع	۱۴۰- رعایت حرمت، کرامت و ارزش‌های انسانی، فصل الخطاب قراردادن حقوق مردم در تمامی جوانب و جلوگیری از تحقیر و حرمت شکنی مراجعین از هر طیفی از جامعه ۱۴۱- حفظ کرامت و عزت کارگزاران عدالت و مبارزان خط مقدم جهاد قضایی
اخلاق مداری در ارتباط با خدمت‌گیرندگان	۱۴۲- رعایت اصل اخلاق‌گرایی و پایبندی به نظم از سوی ارکان نظام قضائی ۱۴۳- تقویت الزامات اخلاقی به منظور پاسخگو بودن نظام قضائی در برابر رفتارهای ناعادلانه ۱۴۴- احساس مسئولیت و نگرانی اخلاقی نسبت به سرنوشت هر یک از طرف‌های پرونده ۱۴۵- استدلال با اخلاق بازپرس در مقام بازپرسی، دادستان در مقام مجادله‌ی با متهم یا وکیل متهم در دادگاه
بستر سازی فرهنگی	۱۴۶- بستر سازی فرهنگی و حفظ ارزش‌ها و فرهنگ سازمانی و ارتقای فرهنگ مردم در زمینه مسائل قضایی ۱۴۷- فرهنگ ایجاد تحول، اصلاح و پذیرش تغییر در نظام قضائی ۱۴۸- توجه به تفاوت‌های فرهنگی بین آحاد جامعه هدف از لحاظ سطح سواد، وضعیت معیشت و آگاهی‌های اجتماعی ۱۴۹- ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ تمکین و احترام به قانون ۱۵۰- ترویج فرهنگ صلح و سازش و حل اختلافات از طریق ریش سفیدان محلی و افراد مقبول اجتماع جهت کاهش ورودی پرونده‌ها به دادگاه
تقویت دین‌مداری کارکنان و قضاات	۱۵۱- اعتقاد و الزام به مبانی عرفی و دینی، استفاده از آموزه‌های دینی هنگام اجرا و داشتن اخلاق نیکو و داشتن اخلاص و پرهیزگاری هنگام اجرا ۱۵۲- ارزش‌ها و هنجارها و باورهای دینی - اعتقادی مجریان تابع ارزش‌های انقلاب ۱۵۳- رعایت ارزش‌های اسلامی، انقلابی، و ملی هنگام اجرا و برخورد با شهروندان مطابق دستورات اسلامی



نمودار ۱: ظهور شبکه‌های مضامین

منبع: یافته‌های نگارندگان

فصلنامه خط‌مشی گذاری عمومی در مدیریت

را بطور کامل ندارد. به عبارت بهتر، استفاده از مجموعه‌های فازی، سازگاری بیشتری با توضیحات زبانی و بعضاً مبهم انسانی دارد و بنابراین بهتر است که با استفاده از مجموعه‌های فازی (بکارگیری اعداد فازی) به پیش بینی بلند مدت و تصمیم‌گیری در دنیای واقعی پرداخت (کارامن و همکاران، ۲۰۰۹). برای فازی‌سازی دیدگاه خبرگان از اعداد فازی مثلی استفاده شده است. دیدگاه خبرگان پیرامون اهمیت هر یک از شاخص‌ها با طیف فازی ۷ درجه‌ای گردآوری شده است. از آنجا که خصوصیات متفاوت افراد بر تعابیر ذهنی آنها نسبت به متغیرهای کیفی اثرگذار است،

ایجاد شبکه‌های مضامین: با توجه به تعدد مضامین فراگیر، شبکه مضامین الگویی مفهومی طرح کلی بر اساس نتایج مصاحبه‌ها و نظر کانون نخبگان شناسایی شده است. الگوی مفهومی که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، همه اعضای گروه آن را تأیید کردند

برازش به روش دلفی فازی:

اگر چه افراد خبره از شایستگی‌ها و توانایی‌های ذهنی خود برای انجام مقایسات استفاده می‌نمایند، اما باید به این نکته توجه داشت که فرآیند سنتی کمی سازی دیدگاه افراد، امکان انعکاس سبک تفکر انسانی

فازی استفاده شده است. دیدگاه ۲۰ کارشناس پیرامون اهمیت هر شاخص مبتنی بر طیف لیکرت هفت درجه در احصا شده است: در این مرحله همانند روش دلفی سستی به جمع آوری نظرات خبرگان پرداخته می‌شود. در این روش از متغیرهای زبانی برای طراحی پرسشنامه و جمع آوری نظرات خبرگان استفاده می‌شود.

مرحله دوم: محاسبه ارزش فازی هر سوال: پس از جمع آوری نظرات خبرگان در این مرحله بر اساس داده‌های جمع آوری شده به محاسبه ارزش فازی هر یک از سوالات (شاخص‌ها) می‌پردازیم. برای محاسبه ارزش فازی هر یک از سوالات به ترتیب زیر عمل می‌کنیم:

در گام بعدی باید دیدگاه خبرگان تجمیع شود. برای تجمیع نظرات n پاسخ‌دهنده، روش‌های مختلفی پیشنهاد شده است. در واقع این روش‌های تجمیع، روش‌هایی تجربی هستند که توسط پژوهشگران مختلف ارایه شده‌اند. برای نمونه یک روش مرسوم برای تجمیع مجموعه‌ای از اعداد فازی مثلثی را کمینه l و میانگین هندسی m و بیشینه u در نظر گرفته‌اند.

رابطه ۱

$$F_{AGR} = \left(\min\{l\}, \prod \{m\}, \max\{u\} \right)$$

رابطه ۲

$$F_{AGR} = \left(\min\{l\}, \left\{ \frac{\sum m}{n} \right\}, \max\{u\} \right)$$

رابطه ۳

$$F_{AVE} = \left(\left\{ \frac{\sum l}{n} \right\}, \left\{ \frac{\sum m}{n} \right\}, \left\{ \frac{\sum u}{n} \right\} \right)$$

هر عدد فازی مثلثی حاصل از تجمیع دیدگاه خبرگان برای شاخص λ_j به صورت زیرنمایش داده شده است:

$$\tau_j = (L_j, M_j, U_j)$$

$$L_j = \min(X_{ij})$$

$$M_j = \sqrt[n]{\prod_{i=1}^n X_{ij}}$$

$$U_j = \max(X_{ij})$$

با تعریف دامنه متغیرهای کیفی، خبرگان با ذهنیت یکسان به سوال‌ها پاسخ داده‌اند. این متغیرها با توجه به جدول ۹ به شکل اعداد فازی مثلثی تعریف شده‌اند.

جدول ۹: طیف هفت درجه فازی برای ارزش‌گذاری

شاخص‌ها

متغیر زبانی	مقدار فازی	مقیاس عددی
کاملاً بی اهمیت (TL)	$\bar{1}$	(0, 0, 0.1)
خیلی بی اهمیت (VL)	$\bar{2}$	(0, 0.1, 0.3)
بی اهمیت (L)	$\bar{3}$	(0.1, 0.3, 0.5)
متوسط (M)	$\bar{4}$	(0.3, 0.5, 0.75)
بااهمیت (H)	$\bar{5}$	(0.5, 0.75, 0.9)
خیلی بااهمیت (VH)	$\bar{6}$	(0.75, 0.9, 1)
کاملاً بااهمیت (TH)	$\bar{7}$	(0.9, 1, 1)

ابزار جمع آوری اطلاعات در روش دلفی، پرسشنامه بود ابتدا پرسشنامه محقق ساخته حاصل از نتایج روش تحلیل مضمون، و هدایت مستقیم پژوهشگر و ۴ نفر کانون خبرگان انجام گردید. در پرسشنامه اهمیت پژوهش برای پاسخ دهندگان بیان شد و از خبرگان خواسته شد در صورتی که از نظر شما متغیرهای دیگری غیر از آنچه در پرسشنامه ذکر شده است، و در سوالات پرسشنامه به آنها اشاره نشده است لطفاً با تعیین درجه اهمیت آنها مرقوم نمایید. همچنین امکان حذف و اضافه نمودن مفاهیم و یا تغییر در ترکیب ابعاد داده شد و از آنها خواسته شد که اگر مفهومی از متن استنباط گردید که مناسب تشخیص داده نشد آن را حذف و یا با متغیرهای دیگر ادغام نماید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش دلفی فازی خود شامل چندین مرحله است که در زیر به ترتیب ارائه شده است:

مرحله اول: جمع آوری نظرات خبرگان: در گام اول روش دلفی به غربالگری و شناسایی شاخص‌های نهایی پژوهش براساس دیدگاه خبرگان از روش دلفی

در این مطالعه برای فازی‌زدایی از روش مرکز سطح به صورت زیر استفاده می‌شود:
رابطه ۶

$$DF_{ij} = \frac{[(u_{ij} - l_{ij}) + (m_{ij} - l_{ij})]}{3} + l_{ij}$$

(زنگ و تانگ، ۱۹۹۳)

میانگین فازی و برون‌داد فازی‌زدایی شده مقادیر مربوط به شاخص‌ها درآمده است. اگر مقدار فازی‌زدایی شده بزرگتر از ۰/۷ باشد، مورد قبول است و هر شاخصی که امتیاز کمتر داشته باشد، رد می‌شود (وو و فانگ، ۲۰۱۱). در این مقاله عدد آستانه ۷ در نظر گرفته شده است، به این معنا که کلیه مفاهیمی که عدد فازی‌زدایی شده آنها بالاتر از ۰/۷ است از نظر خبرگان پژوهش مؤثر محسوب می‌شوند. همچنین متغیرهایی که عدد فازی‌زدایی شده آنها کمتر از ۰/۷ است، از نظر خبرگان پژوهش جزء مفاهیم تأثیرگذار نیستند و تمامی مواردی که امتیازی کمتر از ۰/۷ کسب کرده‌اند حذف شده است.

نتایج راند اول دلفی فازی: در این مرحله ترکیب هیچ کدام از شاخص‌ها تغییر نکرد و تعداد ۱۲ شاخص ادغام و ۱۵ شاخص حذف و تعداد ۸ شاخص اضافه گردید.

راند دوم دلفی فازی: در مرحله دوم پس از اطلاع از مضامین حذف، ادغام و اضافه شده راند اول، مضامین تایید شده برای خبرگان تحقیق ارسال و پرسشنامه‌های گردآوری و تحلیل گردید. پس از گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل نتایج راند دوم ۶ مضمون حذف و ۵ مضمون اضافه گردید.

راند سوم دلفی فازی: در مرحله سوم تحلیل دلفی فازی برای مضامین باقی مانده در راند دوم ادامه پیدا کرد. در دور سوم هیچ مضمونی حذف و یا اضافه نشد که این خود نشانه‌ای برای پایان راندهای دلفی است. براساس تحلیل عوامل شناسائی شده از تحلیل مصاحبه‌های تخصصی انجام شده و روش تحلیل

اندیس i به فرد خبره اشاره دارد. به طوری که X_{ij} : مقدار ارزیابی خبره i ام از معیار j ام
 L_j : حداقل مقدار ارزیابی‌ها برای معیار j ام
 M_j : میانگین هندسی مقدار ارزیابی خبرگان از عملکرد معیار j ام
 U_j : حداکثر مقدار ارزیابی‌ها برای معیار j ام
(چنگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ سو و همکاران، ۲۰۱۰؛ وو و فانگ، ۲۰۱۱؛ سو و چن، ۲۰۱۱)
در این مطالعه ما از روش میانگین فازی استفاده کرده‌ایم.

فازی‌زدایی مقادیر

معمولاً می‌توان جمع میانگین اعداد فازی مثلثی و ذوزنقه‌ای را توسط یک مقدار قطعی که بهترین میانگین مربوطه است، خلاصه کرد. این عملیات را فازی‌زدایی گویند. روش‌های متعددی برای فازی‌زدایی وجود دارد. در بیشتر موارد برای فازی‌زدایی از روش ساده زیر استفاده می‌شود:
رابطه ۴

$$x_m^1 = \frac{L + M + U}{3}$$

(چنگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ سو و همکاران، ۲۰۱۰؛ وو و فانگ، ۲۰۱۱)

یکی دیگر از روش‌های ساده برای فازی‌زدایی میانگین اعداد فازی مثلثی به صورت زیر است:
رابطه ۵

$$F_{ave} = (L, M, U)$$

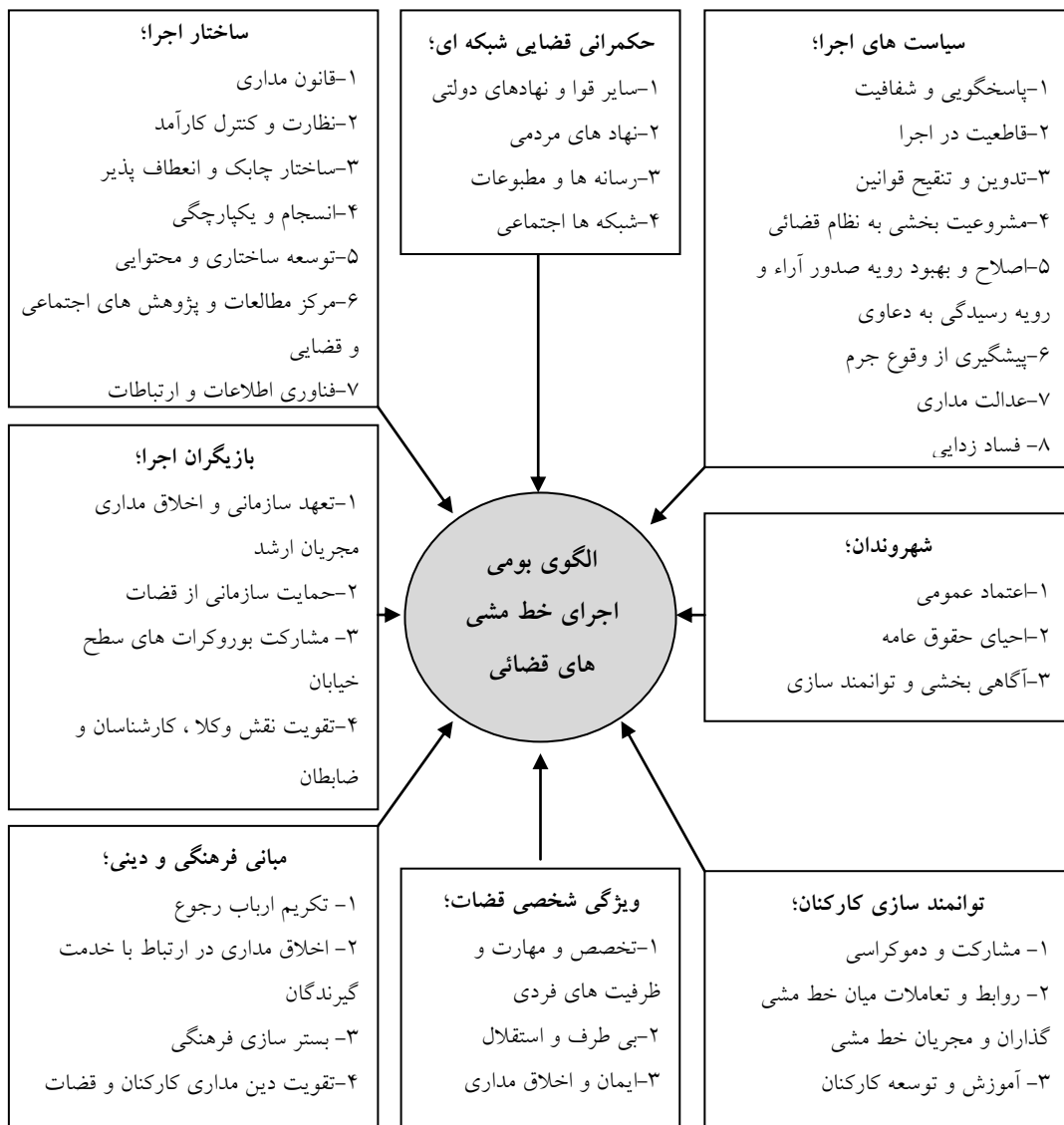
$$x_m^1 = \frac{L+M+U}{3}; x_m^2 = \frac{L+2M+U}{4}; x_m^3 = \frac{L+4M+U}{6}$$

$$\text{Crisp number} = Z^* = \max(x_{max}^1, x_{max}^2, x_{max}^3)$$

مقادیر x_{max}^i تفاوت چندانی باهم ندارند و همواره عددی نزدیک به M هستند. منظور از M میانگین حاصل از جمع مقادیر محتمل m از اعداد فازی مثلثی مختلف است. با این وجود مقدار قطعی بزرگترین x_{max}^i محاسبه شده در نظر گرفته می‌شود (بوجدزیف و بوجدزیف، ۲۰۰۷).

مضمون و پس از حذف حذف شاخص‌های کم اهمیت و تکراری و ادغام شاخص‌های مشابه اضافه نمودن و مفاهیم افزوده شده توسط خبرگان در راند اول و دوم و پس از تحلیل نتایج در راند سوم و مؤلفه جدیدی اضافه نگردید بنابراین الگوی طراحی شده با ۸ مضمون فراگیر، ۲۹ مضمون سازمان دهنده و ۱۵۳ مضمون پایه نهایی شد و به علت عدم معرفی شاخص جدید به نظر می‌رسد اجماع و اشباع تئوریک حاصل شده است.

الگوی بومی اجرای خط‌مشی در نهاد قضائی مشتمل بر ابعاد هشت گانه یاد شده در قالب نمودار ۲ مشاهده می‌شود. مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه از مصاحبه با خبرگان قوه قضائیه به دست آمده است، و با روش دلفی فازی و با مشارکت خبرگان قوه قضائیه و خبرگان دانشگاهی غربالگری و تایید شده است.



نمودار ۲: الگوی بومی اجرای خط‌مشی‌های قضائی

منبع نگارندگان

نتیجه‌گیری، محدودیت‌ها و پیشنهادها

با مطالعه و بررسی تحقیقات انجام شده در حوزه اجرای خطمشی، مشخص شد که اگر چه پژوهش‌های متنوعی در زمینه اجرای خطمشی‌ها صورت پذیرفته است، در خصوص اجرای خطمشی‌های قضایی پژوهشی انجام نشده است و مطالعه میدانی و تجربی، که درک کافی از اجرای خطمشی‌های قضایی در قوه قضائیه ارائه نماید، وجود نداشته است. امید است که با انجام این تحقیق مقداری از خلأ مطالعاتی در این زمینه پوشش داده شود.

نتایج: با توجه به پراکندگی مراجعین و اینکه بخش‌های دولتی، خصوصی و احاد جامعه مراجعه کننده دستگاه قضا می‌باشند، شناسایی عوامل اثرگذار مستلزم در نظر گرفتن معیارهای خرد و کلان بیشماری است. در این پژوهش تلاش شده الگوی بومی اجرای خطمشی‌های قضائی ارائه گردد. نتایج یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد: ۱- حکمرانی شبکه‌ای قضائی ۲- سیاست‌های اجرا ۳- شهروندان ۴- ویژگی شخصی قضات ۵- ساختار اجر ۶- بازیگران اجرا ۷- توانمند سازی کارکنان ۸- مبانی فرهنگی و دینی، عوامل اثرگذار بر اجرای خطمشی‌های قضایی در دستگاه قضا هستند.

۱- اولین مضمون فراگیر «حکمرانی شبکه‌ای قضایی» است، پایبندی به اصل حاکمیت قانون از الزامات بنیادین دستگاه قضا است. برای دستیابی به این هدف بنیادین، همکاری سایر قوا، و نهادهای دولتی، نهادهای مردمی، رسانه‌ها و مطبوعات و شبکه‌ها اجتماعی، اثرگذارند. از نگاه وید (۱۹۸۲) حاکمیت قانون چهار بعد دارد: ۱- معنای اولیه و اصلی حاکمیت قانون این است که همه چیز باید مطابق با قانون انجام شود و وقتی این مفهوم در مورد توانایی‌ها و اختیارات دولتی بکار رود به ایم معناست که هر اقدامی که بر حقوق، وظایف یا آزادی‌های قانونی افراد تاثیر بگذارد، باید اصالت و

ریشه قانونی داشته باشد فرد تحت تاثیر یا ذی نفع، همواره می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و اگر مشخص شود فعالیت مورد نظر ریشه قانونی نداشته است، دادگاه فعالیت مذکور را از درجه اعتبار ساقط کرده و فرد می‌تواند از آن پس بودن توجه به اقدام دولت، به کار خود ادامه دهد. ۲- معنای دوم حاکمیت قانون این است که حکومت باید در چارچوبی از قوانین و اصول تایید شده هدایت شود. این چارچوب، قوانین و اصولی را شناسائی می‌کند که اعمال قدرت به صورت شخصی و دلبخواهی را محدود می‌کند. ۳- بحث‌هایی در مورد قانون باید توسط یک دادگاه قضائی که مستقل از دولت باشد مشخص شود. ۴- قانون باید میان حکومت و شهروندان بی طرفانه قضاوت کند. اهمیت تعامل با سایر قوا و نهادهای دولتی تا حدی است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حکم انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی به ریاست قوه قضائیه خواستار آن شدند که رئیس جدید «همکاری با قوای مجریه و مقننه و هم‌افزایی همیشگی با آنان را در نظر داشته باشد و قوای دیگر نیز همراهی و همکاری با دستگاه قضا را وظیفه خود بدانند».

۲- دومین مضمون فراگیر «سیاست‌های اجرا است». سیاست‌های اجرای خطمشی در قوه قضائی به علت ماهیت خاص دستگاه قضائی با سایر سازمان‌ها متفاوت است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد؛ پاسخگویی و شفافیت، فسادزدایی، قاطعیت در اجرا، تدوین و تنقیح قوانین، مشروعیت بخشی به نظام قضائی، اصلاح و بهبود رویه صدور آراء و رویه رسیدگی به دعاوی، پیشگیری از وقوع جرم و عدالت مداری نقش موثری در اجرای سیاست‌های قضائی دارند. قوه قضائیه نقش قابل توجهی در فرآیند سیاست گذاری ایفا می‌کند. علارغم تدوین خطمشی‌ها و سیاست‌های مناسبی

مستقل هستند و قاضی باید در نهایت بی طرفی به دادرسی بپردازد. همچنین مهمترین موضوعی که در جذب قضاوت باید به آن توجه کرد صلاحیت علمی قضات است. فراهم کردن زمینه قضاوت عادلانه، بی طرفی و استقلال فردی قضات، توانایی درک شرایط بزه کاران و بزه دیده گان در اجرای سیاست‌های عالی قضائی اثر گذارند. امیرالمؤمنین (ع) در خصوص عدالت به مالک اشتر می‌فرماید که «ثم اختر للحکم بین الناس افضل رعیتک فی نفسک»؛ (۱۲) از میان مردم برای قضاوت، برترین مردم را انتخاب کن. کسانی که مراجعه فراوان آنها را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق اندک شناخت بسنده نکند و در موارد شبهه یعنی در مواردی که موضوع یا حکم به طور دقیق مشخص نیست بیش از دیگران احتیاط کند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۵- پنجمین مضمون فراگیر «ساختار اجرا» است. ساختار نظام قضایی در جامعه نقش بنیادین دارد؛ در زمینه ساختار اجرای خطمشی قضائی ضعف چشمگیری وجود دارد به گونه‌ای خیلی از مصوبات و خطمشی‌ها به درستی اجرا نمی‌شوند. قانون مداری، نظارت و کنترل کارآمد، ساختار چابک و انعطاف پذیر، انسجام و یکپارچگی، توسعه ساختاری و محتوایی مرکز مطالعات پژوهش‌های اجتماعی و قضایی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، در اقتدار و انسجام ساختار اجرای خطمشی‌های قضایی از اهمیت ویژه برخوردارند.

۶- ششمین مضمون فراگیر «بازیگران اجرا» است. بازیگران اجرای قوه قضائیه از جمله مجریان ارشد، قضات، کارکنان سطوح سازمانی و وکلا و کارشناسان نقش بسزایی در اجرای خطمشی‌های قضائی دارند. دست اندرکاران قوه قضائیه جهت اجرای موثر خطمشی‌های قضایی، همواره باید به

در زمینه امور قضائی در قالب سیاست‌های کلی نظام، قوانین برنامه توسعه و سایر قوانین، عدم اجرای کامل و مؤثر سیاست‌های مزبور، مقامات و مسئولین کشور را متوجه مقوله یاد شده نموده است. مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس و مسئولان عالی قضائی در شروع دوره جدید ریاست قوه قضائیه (آملی لاریجانی)، شش اولویت اصلی را برای دوره جدید بیان کردند، که «ساز و کار ویژه و روشن برای اجرای سیاست‌ها» اولین اولیوتی بود که به وسیله رهبری در تبیین اولیوت‌های اصلی دوره جدید ریاست قوه قضائیه مورد تأکید قرار گرفت و اظهار داشتند که باید ساز و کار ویژه و روشنی برای نظارت و اجرای سیاست‌های مربوط به قوه قضائیه و تبدیل این سیاست‌ها به برنامه و عملیاتی شدن همه آنها، تدارک دیده شود.

۳- سومین مضمون فراگیر «شهروندان» است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد؛ اعتماد عمومی، احیای حقوق عامه، آگاهی بخشی و توانمند سازی شهروندان از مسئولیت‌های سنگینی است که در اجرای خطمشی‌های قضایی تاثیر شگرفی دارد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سیستم قضایی برای حراست از حقوق فردی و اجتماعی تمامی شهروندان به صورت مستقل استقرار یافته است و فرایندهای خطمشی‌گذاری و اجرای خطمشی‌ها جهت حفظ اعتماد شهروندان به حکومت، امری ضروری و حیاتی به شمار می‌رود.

۴- چهارمین مضمون فراگیر «ویژگی شخصی قضات» است. تخصص، مهارت و ظرفیت‌های فردی، بی طرف و استقلال، ایمان و اخلاق مداری قضات از معیارهای بسیار مهمی است که مجریان ارشد قوه قضائیه باید به آن توجه جدی نمایند. بر اساس بند ب و پ اصل ۱۵۶ قانون اساسی قضات در تصمیم‌گیری‌های خود در تمام مراحل دادرسی

تعهد سازمانی و اخلاق مداری مجریان ارشد، حمایت سازمانی از قضات، مشارکت بوروکرات‌های سطح خیابان، تقویت نقش وکلا، کارشناسان و ضابطان توجه ویژه‌ای نمایند.

۷- هفتمین مضمون فراگیر «توانمند سازی کارکنان» است. اصلی‌ترین و حیاتی‌ترین دارایی هر سازمان منابع انسانی آن است که کیفیت و توانمندی آن مهم‌ترین عامل بقا و حیات سازمان است. رهبر معظم انقلاب طی دو دهه اخیر بارها تأکید داشته اند که نیروهای صالح، انقلابی و فاضل را در مسئولیت و منصب‌های مهم قوه بگمارند. منابع انسانی توانمند سازمان توانمند را به وجود می‌آورد (روشندل اربطانی و همکاران، ض ۳۹۶، ۵۱۷).

مشارکت و دموکراسی، روابط و تعاملات میان خط‌مشی‌گذاران و مجریان خط‌مشی، آموزش و توسعه کارکنان از شاخص‌های مهم اثر گذار بر توانمندی کارکنان در قوه قضائیه هستند.

۸- آخرین مضمون فراگیر «مبانی فرهنگی و دینی» است. ترویج مبانی فرهنگی و دینی مستلزم؛ تکریم ارباب رجوع، اخلاق مداری در ارتباط با خدمت گیرندگان، بستر سازی فرهنگی، تقویت دین مداری کارکنان و قضات است. با توجه به اینکه کشور ما اسلامی است باید اجرای خط‌مشی‌های قضائی مطابق با مبانی دینی، ایدئولوژیکی و تابع ارزش‌های انقلاب اسلامی باشد. اجرای خط‌مشی‌ها در قوه قضائیه با فرهنگ عمومی مردم و ارزش‌ها و هنجارهای مجریان با خط‌مشی و با ارزش‌های غالب جامعه هم سو و هم جهت باشند، همچنین خط‌مشی‌های اجرا شده مطابق با فرهنگ کشور و ارزش‌های اسلامی، انقلابی، ملی و ارزش‌های اجتماعی سازگاری داشته باشد.

محدودیت‌ها: محقق درحین پژوهش با محدودیت‌های زیادی مواجه گردید. یکی از این محدودیت، موضوع پژوهش بود. همان طور که اشاره

شد، درباره اجرای خط‌مشی‌های قضائی پژوهش‌های انجام نشده است و در زمینه تحلیل و بررسی فرایند خط‌مشی‌گذاری در قوه قضائیه تا جایی که پژوهشگر مطلع شد، پژوهشی وجود ندارد. این محدودیت، کار پژوهش را دشوار و پیچیده می‌سازد. از سوی دیگر، تعداد خبرگان آشنا با موضوع بودند؛ از این رو شناسایی و هماهنگی با آنها بسیار دشوار بود. نبود تجربه عملی مبنی بر چگونگی اجرای خط‌مشی به صورت واقعی و مواجه با چالش‌های آن، دیگر محدودیت پژوهش بود؛ زیرا هیچ مصداق عملی برای این پژوهش وجود نداشت. دشواری دیگر پژوهش، کیفی بودن آن است که پیشینه تحصیلی و ذهنیت پژوهشگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بنابراین ممکن است محققین دیگر، مضامین دیگری را شناسایی کنند، لذا با تغییرات سریع دنیای معاصر امکان تغییر مضامین وجود دارد. در نهایت باتوجه به اینکه محقق هنگام مصاحبه با خبرگان با محدودیت‌های به علت حساسیت کاری در قوه قضائیه مواجه می‌شد لازم است مسئولان قوه قضائیه فضا را برای پژوهشگران ایجاد کنند.

پیشنهادها: بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود مسئولان، اولین وظیفه و مهمترین وظیفه خود را در زمره اجرای خط‌مشی قضائی بنا نهند، چرا که در پژوهش معلوم گردید که در حیطه اجرای خط‌مشی‌های قضائی پژوهشی انجام نشده است و پژوهش‌ها در قوه قضائیه بیشتر به جنبه‌هایی حقوقی و قضائی می‌پردازند و پژوهشگران کمتر به دنبال پژوهش‌های جنبه ساختاری، اجرای و مدیریتی هست.

به محققان آینده توصیه می‌شود که ۱- در پژوهش‌های خود به منظور افزایش اعتبار محتوایی ابزار سنجش چه به صورت کیفی و چه به صورت کمی در حیطه اجرای خط‌مشی، تدوین و ارزیابی به تحقیق در دادگستری و سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه بپردازند، و نتایج آن را با نتایج سایر نهادهای دولتی مقایسه کنند. ۲- طراحی مدل تدوین خط‌مشی‌گذاری

قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳.

کمالی یحیی، شیخ زاده جوشانی صدیقه، احمدی نژاد فاطمه (۱۳۹۸)، اجرای سیاست‌های عمومی؛ ارائه معیارهایی برای اجرای موفق سیاست‌ها، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاستگذاری عمومی، صفحات ۲۷۵-۲۵۳.

معمارزاده طهران، غلام رضا؛ میرسپاسی، ناصر؛ جلیلی، سودابه (۱۳۹۰). ارائه مدل برای ارزیابی اثربخشی اجرای خط‌مشی عمومی جمهوری اسلامی ایران در حوزه بهداشت و درمان، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی ۱۹-۳۱.

Attride-Stirling, J. (2010). "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol 1, No 3, Pp 385-405.

Brenes ER, Mena M, Molina GE. (2014). "Key success Factors for Strategy Implementation in Latin America." *Journal of Business Research*, 61 (6), 590-598.

Brooks, S. (1998), *Public Policy in Canada: An Introduction*, 3rd ed. Oxford University Press ,Toronto.

Batsuuri, G. (2016). *Foreign Investment Policy Implementation Effective: A Case Study from Mongolia*. *Imperial Journal of Interdisciplinary Research*, 2 (3), pp. 309-320.

Birkland, Thomas A. 2015. *An Introduction to the Policy Process: Theories, Concepts, and Models of Public Policy Making*. New York: Routledge Press.[DOI:10.4324/9781315717371]

Degroff, A. & Cargo (2009) *Policy implementation: I'm policy at on for evaluation*. In J.M. ottosen phase (Ed), *Know Ledge utilization, diffusion, implementation, transfer and translation: implementation for evaluation*, *New Direction for Evaluation* 124. 47-60

Dya, T.R. (2013). *Understanding Public Policy*. 14 Edition. New jersey: Pearson Prentice Hall.

Chompucot, M. C. (2011). *Major Factors Affecting Educational Policy Implementation Effectiveness for the Three Southern most Provinces of Thailand as Perceived by School Directors*. Dissertation for the

Degree of Doctor of Philosophy, National Institute of Development Administration.

Cheng, C. H., & Lin, Y. (2002). *Evaluating the best main battle tank using fuzzy decision theory with linguistic criteria evaluation*.

در قوه قضائیه، ۳-طراحی مدل ارزیابی خط‌مشی‌گذاری در قوه قضائیه، ۴-طراحی مدل حکمرانی قضایی در قوه قضائیه، ۵-طراحی مدل توانمندی مجریان در قوه قضائیه، پردازند.

منابع و مأخذ

الوانی، سید مهدی، شریف زاده فتاح (۱۳۹۴)، فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

پوراحمدی معین، مختاریان پور مجید، حسنگلی پوریاسوری طهمورث (۱۳۹۷)، آسیب شناسی اجرای خط‌مشی‌های خصوصی سازی در ایران، فصلنامه مدیریت دولتی (دانش مدیریت). صفحه ۳۳۳ تا صفحه ۳۵۶

رنگریز حسین، بهرام مودنی (۱۳۹۶)، شناسایی و اولویت بندی موانع اجرای خط‌مشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره، فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت.

دانش فرد کرم اله، اکبری ولی اله (۹۱)، موانع اجرای طرح‌های عمرانی دادگستری تهران فصلنامه رسالت مدیریت دولتی

قلی پور رحمت الله (۱۳۸۷). *تصمیم‌گیری سازمانی و فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران، سمت*.

قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) «مصوب مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی».

قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، مصوب مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی کشور، ۱۳۸۹/۱۰/۲۸ شماره ۱۶۴۷۰.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.

- Spratt, Kai. (2009). Policy Implementation Barriers Analysis: Conceptual Framework and Pilot Test in Three Countries. Washington, DC: Futures Group, Health Policy Initiative, Task Order.
- European journal of operational research, 142 (1), 174-186.
- Hill, Michael and Hupe, Peter (2002) Implementing public policy, Publisher SAGE Publications London, Thousand oaks, New Delhi.
- Heydenrych, p (2016) problems and challenges related to public policy implement action within the south African democratic dispensation: a theoretical exploration, dissertation submitted in fulfillment of the requirements for the degree master of its – political studies at the Potchefstroom campus of the north-west university.
- Iyanda, K, A. & BELLO, S, D. (2016). Problems and Challenges of Policy Implementation for National Development. Research on Humanities and Social Sciences. 6 (15):60-65.
- khandaker, shahriar and khan, Rahman (2016) “A critical insight into policy implementation and implementation performance” public policy and Administration, Vol.15, No. 4, 538-548
- Kahraman, Cengiz; (2009), Fuzzy Multi-Criteria Decision Making: Theory and Applications with Recent Developments Front Cover, Volume 16 of Springer optimization and its applications, ISSN 1931-6828.
- Ladner, J. (2016). Policy implementation in the public sector: A comparison of two methods of evaluating the impact of government interventions. Journal of Organizational Ethnography, Vol.5, No.3: pp.317-332.
- Marsh, D. & Allan, M. C., 2010. Toward a framework for establishing policy success. policy administration, 88 (2), pp. 564-583.
- Nyhagen G.M. Bleiklie I. Hope K. (2017) Policy Instruments in European Universities: Implementation of Higher Education Policies. In: Bleiklie I. Enders J. Lepori B. (eds) Managing Universities. Palgrave Studies in Global Higher Education. Palgrave Macmillan,
- Paudel, R. (2009). A Critical Account of Policy Implementation Theories Status and Reconsideration. Nepalese Journal of Public Policy and Governance, 25 (2), pp. 36-54.
- Subroto A., (2011), “Understanding Complexities in Public Policy Making Process through Policy Cycle Model: A System Dynamics Approach”, II Conference of WCSA-World Complexity Science Academy, September 26 Th – 27 Th, Palermo, Italy.
- Siddique, W. (2016). Critical success factors affecting e-government policy implementation in Pakistan. E Journal of E Democracy Open Government. Vol.8 ,No.1: pp, 102-126.
- Skogstad, G., 2007. policy failure, policy learning and policy development in a context of internationalization. Saskatoon, Univ. of Saskatchewan.



Provide a Local Model for the Implementation of Judicial Policies: Using thematic Analysis and Fuzzy Delphi Approach

Roghayeh keshvarianazad¹- Akbar Etebarian Khorasgan²-
Mehraban Hadi paykani³- Mojtaba Shahnoushi⁴

Abstract

Background: The judiciary roles a significant role in the policy implementation process, According to the mission of the judiciary and the conditions prevailing in the country, the implementation of policies in this judiciary is of particular importance. The purpose of this study is to present a Native pattern of judicial policy implementation: using the application of of Theme analysis and fuzzy Delphi approach. research method: Therefore, first in the qualitative part of the research, using in-depth semi-structured interviews with experts in the judiciary, the necessary information was collected and with the aim of extracting elements and components of the model, this information was based on Theme analysis method at three levels: basic, organizer and comprehensive Was coded. The Statistical Society of the study includes 26 experts in the field of policy implementation. Purposeful sampling has been used to screen and validate the network of themes using three rounds of fuzzy Delphi technique.

Results: Data analysis Finally to count of 153 basic themes, 36 organizing themes, 8 comprehensive themes and the formation of a theoretical model.

Conclusion: The results show that judicial network governance, executive policies, citizens, personal characteristics of judges, executive structure, executive actors, staff empowerment and cultural and religious principles are effective factors in the local pattern of judicial policy implementation in the judiciary.

Keywords: Execution, Policy, Judicial Policies, Judiciary, Subject, Fuzzy Delphi

¹ PhD Student in Public Administration, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Department of Public Administration, Isfahan, Iran. *keshvarian@gmail.com*

² Associate Professor, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Department of Public Administration, Isfahan, Iran (Corresponding Author). *etebarian@khuisf.ac.ir*

³ Assistant Professor, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Department of Public Administration, Isfahan, Iran. *paykani2323@gmail.com*

⁴ Assistant Professor, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Department of Public Administration, Isfahan, Iran. *mojtaba.shahnoushi@gmail.com*